



مربی تراکتور:
مشکل ما
عدم تمرکز بود نه خستگی
در صفحه ۳

دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۳۹ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

تحلیلی بر سخنان رهبر انقلاب درباره دشمنی آمریکا با ایران

طرح نو؛ سردبیر
رهبر انقلاب در سخنان چند روز پیش خود درباره مذاکره با آمریکا که توسط برخی مطرح می‌شود، فرمودند که «اختلاف جمهوری اسلامی [ایران] و [ایالات متحده] آمریکا، یک اختلاف [موردی یا] تاکتیکی نیست، بلکه اختلافی [ریشه‌دار و] ذاتی است». در این ارتباط باید چند نکته را متذکر شد؛
به نظر این نگارنده، منظور ایشان از «اختلاف ذاتی» این است که اختلاف جمهوری اسلامی ایران با آمریکا تضادی در مبنا و ماهیت است که از منبع قدرت، از فهم دو دیدگاه از آزادی، و از تعریف انسان و جامعه سرچشمه می‌گیرد. این نزاع نه صرفاً یک مناقشه سیاسی بر سر یک موضوع خاص، بلکه رویارویی دو پارادایم کاملاً متفاوت است.
از دید رهبری ریشه این خصومت عمیق را باید در تقابل دو دیدگاه اساسی جستجو کرد؛ دیدگاه جمهوری اسلامی ایران.....

گزارش

چطور کشورهای باقی مانده از شوروی مهره‌های واشنگتن می‌شوند؟ تلاش آمریکا برای ورود به آسیای میانه

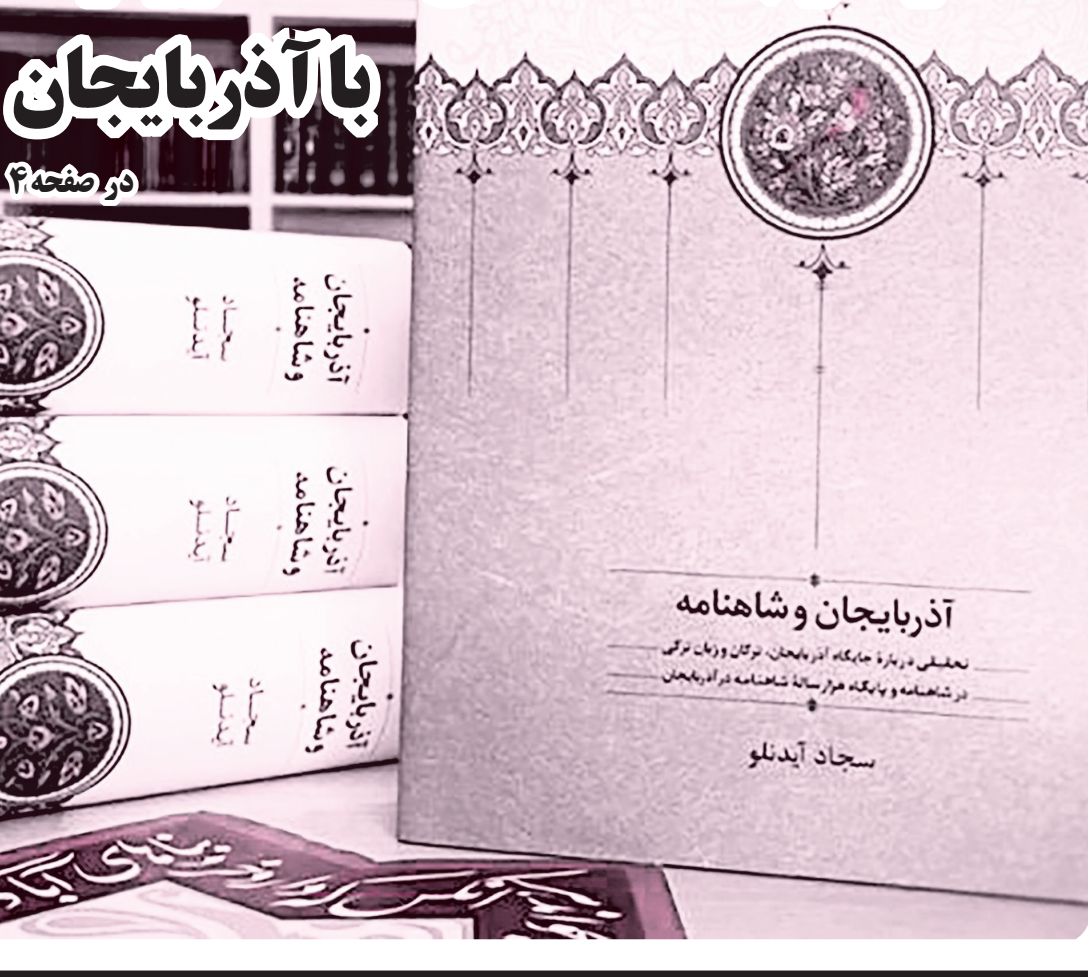
طرح نو، سردبیر
در قلب اوراسیا، منطقه‌ی آسیای میانه؛ شامل کشورهای بازممانده از فروپاشی امپراتوری شوروی؛ شاهد آغاز یک بازی پیچیده و تعیین‌کننده در نظم نوین امنیتی جهان است. این بازی رقابتی نفس‌گیر میان این کشورها برای تثبیت جایگاه استراتژیک خود در معادلات جدید چالش قدرت میان شرق و غرب است؛ معادلاتی که مشخص نیست در نهایت در این بازی ژئوپلیتیکی برای همه صندلی امنی باقی خواهد گذاشت. مارش ناتو و بسط نفوذ غرب به این منطقه، صرفاً یک گسترش جغرافیایی نیست، بلکه هشدار جدی درباره‌ی بازآرایی‌های ژئوپلیتیکی است که می‌تواند ثبات چند دهه‌ی اخیر منطقه را به کلی دگرگون سازد.

آسیای میانه در تقاطع تمدن‌ها و قدرت‌ها

آسیای میانه، با موقعیت منحصر به فرد خود که درجبهه‌ای میان شرق آسیا، روسیه، ایران و جهان غرب محسوب می‌شود، همواره نقطه‌ی کانونی توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. این منطقه که میراث‌دار جمهوری‌های شوروی سابق است، پس از استقلال (۱۹۹۱) تلاش کرده است تا یک سیاست خارجی چندوجهی را دنبال کند؛ سیاستی که هدفش حفظ توازن میان مسکو، پکن و واشنگتن بود. اما با تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد و تغییر اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده و ناتو، این توازن در حال فروپاشی است. ناتو، که تمرکز اولیه خود را بر امنیت اروپا و مقابله با روسیه در مرزهای شرقی‌اش قرار داده بود، ...

با تأکید بر کتاب «آذربایجان و شاهنامه» بررسی می‌شود:

رَد اَر تباط افسانه‌ی «دده قورقود» با آذربایجان



شهری

شهردار خبر داد:

بهره‌برداری از ۳ تقاطع غیر همسطح در شرق تبریز با تسریع عملیات عمرانی



اداره کل راه و شهرسازی
آذربایجان شرقی

آرکی‌تکتونیک، مهندسی، معماری، طراحی و معماری
و انکسار و معماری، مهندسی، معماری، طراحی و معماری
در سطح استان (ژئوتیم) (ژئوتیم)

رجوع به صفحه ۳

آذربایجان شرقی در مسیر توسعه زیست‌بوم فناوری



طرح نو؛ گروه گزارش
بخش نخست...

آذربایجان شرقی با دارا بودن ظرفیت‌هایی مانند پارک علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش صنعت و کشاورزی همچنین زیرساخت دانشگاهی در مسیر تشکیل زیست بوم فناوری قرار دارد، اما برای تبدیل شدن به یک «هاب فناوری»، نیاز به افزایش عمق، شبکه، سرمایه‌گذاری و بازار دارد.

در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، توسعه زیست بوم فناوری به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان تحول اقتصادی و علمی کشور مطرح شده است. این سند بر لزوم توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، ارتقای جایگاه علمی کشور در سطح بین‌المللی و ایجاد اشتغال پایدار مبتنی بر فناوری‌های نوین تأکید دارد.

در این پیوند، پارک‌های علم و فناوری به عنوان هسته‌های مرکزی زیست‌بوم نوآوری، با ارائه خدماتی مانند فضاهای کاری مشترک، مشاوره تخصصی، دسترسی به منابع مالی و شبکه‌سازی با دانشگاه‌ها و صنایع، بستری مناسب برای رشد شرکت‌های دانش‌بنیان و فن‌آور فراهم می‌کنند. این مراکز با ایجاد ارتباط مؤثر میان دانشگاه، صنعت و نهادهای دولتی، به تجاری‌سازی دستاوردهای علمی و فناوری کمک کرده و موجب رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی می‌شوند.

در این میان استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران، با مرکزیت شهر تبریز، یکی از قطب‌های صنعتی و دانشگاهی کشور به شمار می‌رود و ترکیب مناسب دانشگاه‌ها، مراکز علمی و صنعتی و موقعیت جغرافیایی در مرز با کشورهای منطقه، فرصت‌های خوبی برای رشد زیست‌بوم فناوری و نوآوری فراهم کرده است.

ضمن اینکه پارک علم و فناوری و مراکز رشد کمک می‌کنند تا شرکت‌های دانش‌بنیان و فن‌آور از امکاناتی برای آزمایش، تولید نیمه صنعتی، همکاری با دانشگاه‌ها و بازار بهره‌مند شوند. به گفته آرتین بلالی اسکویی، رئیس پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی، بیش از ۵۰۰ واحد فن‌آور و شرکت دانش‌بنیان در پارک استان مستقر هستند ضمن اینکه حدود ۴۵ هسته و شرکت دانش‌بنیان و فن‌آور در «دهکده فناوری و نوآوری کشاورزی، منابع طبیعی و صنایع غذایی آذربایجان شرقی» مستقر شده‌اند که در حوزه‌های طیور، گل‌های زینتی، زنبورعسل، فراوری، نانو تکنولوژی، کشت بافت فعالیت دارند. این نشان‌دهنده متنوع شدن زیست‌بوم و ورود حوزه‌های کشاورزی به عرصه فناوری است.

تبریز به عنوان مرکز استان آذربایجان شرقی، دارای دانشگاه‌های متعدد و مراکز پژوهشی است و می‌تواند نیروی انسانی و پژوهش را به محیط فناوری و نوآوری متصل کند. این یک

داده‌های خود را بدون نیاز به پلتفرم‌های خارجی ذخیره و پردازش کنند.
وی از سرمایه‌گذاری ۳۳ هزار میلیارد ریالی در زیرساخت‌های ارتباطی آذربایجان شرقی خبر داد و گفت: این پروژه اتصال دانشگاه‌ها و مراکز علمی استان به شبکه ملی ارتباطات با کیفیت بالا را تضمین می‌کند و دانشگاه تبریز در طرح‌های ملی نقش ویژه خواهد داشت.

وزیر ارتباطات با بیان اینکه کشور در آستانه ورود به زیست‌بوم دولت دیجیتال قرار دارد، گفت: با توسعه ارتباطات پرسرعت، بهره‌گیری از هوش مصنوعی و توان علمی دانشگاه تبریز، استان می‌تواند به قطب ملی حکمرانی داده و دولت هوشمند تبدیل شود.

استاندار آذربایجان شرقی نیز با تأکید بر ضرورت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان گفت: آذربایجان شرقی در مرحله گذار به حکمرانی علمی و مبتنی بر داده است و پیوند نظام دانشگاهی با بخش‌های صنعتی و اقتصادی باید به یک جریان پایدار مدیریتی تبدیل شود.

بهرام سرمست با اشاره به ظرفیت‌های قانون جهش تولید دانش‌بنیان افزود: مواد ۱۱ و ۱۳ این قانون امتیاز بزرگی برای فعالان صنعتی و شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد می‌کند و هزینه‌های تحقیق و توسعه‌ای که با همکاری دانشگاه‌ها انجام می‌شود، از اعتبار مالیاتی واحدهای صنعتی کسر می‌شود؛ یعنی پروژه‌های دانشگاه برای صنعتگران عملاً بدون هزینه خواهد بود.

استاندار همچنین بر نقش دانشگاه‌ها در تسهیل و آموزش اجرای این قانون تأکید کرد و گفت: رؤسای دانشگاه‌ها موظفند این قانون را معرفی و اجرایی کنند تا استان در مسیر توسعه صنعتی، علمی و اقتصادی قرار گیرد.

موفقیت آذربایجان شرقی در برنامه ملی «نوآفرین صنعت‌ساز»

معاون دفتر پشتیبانی امور فناوری و نوآوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مدیر برنامه پوشش ملی توانمندسازی و توسعه منطقه‌ای «نوآفرین صنعت‌ساز» نیز مرداد ماه امسال در تبریز اعلام کرد که این برنامه ملی با رویکردی تازه در جهت شکل‌گیری هسته‌های فن‌آور و نوآور متناسب با نیازهای منطقه‌ای و بومی از اواخر دی‌ماه در استان‌های کشور عملیاتی شده است و تاکنون پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی توانسته در این زمینه پیشگام باشد.
مریم ملونی اظهار کرد: هدف اصلی این پوشش، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و فن‌آور در بستری جدید است؛ بستری

الکترونیک، فوتونیک و مخابرات در دستور کار قرار دارد. این تفاهم‌نامه زمینه‌ای برای هم‌افزایی ظرفیت‌های علمی و فناوری استان و بستری مناسب برای توسعه همکاری‌های فن‌آورانه در سطح ملی و بین‌المللی خواهد بود.

دانشگاه تبریز، محور زیست‌بوم ملی دولت هوشمند / سرمایه‌گذاری ۳۳ هزار میلیارد ریالی در زیرساخت‌های ارتباطی آذربایجان شرقی

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هفته گذشته در دیدار با دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی، دانشگاه تبریز را یکی از محورهای راهبردی زیست‌بوم ملی دولت هوشمند و حکمرانی داده‌محور کشور دانست و گفت: با توسعه زیرساخت‌های پردازشی، ایجاد بسترهای عادلانه برای پژوهشگران و صنعتگران و سرمایه‌گذاری در حوزه ارتباطات، دانشگاه تبریز نقش کلیدی در شکل‌گیری زیست‌بوم ملی دولت هوشمند خواهد داشت و می‌تواند به‌عنوان محور اصلی حکمرانی داده‌محور در کشور عمل کند.

ستار هاشمی با بیان اینکه هدف اصلی دولت در ۶ ماه گذشته توسعه زیرساخت‌های پردازشی و ایجاد بسترهای عادلانه برای فعالان علمی و صنعتی بود، افزود: در دهه ۱۳۹۰ توسعه پایدار به‌صورت متمرکز اجرا شد، اما در خدمات پراکنده‌ی داشتیم و از دل حضور استارت‌آپ‌ها، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها، اقتصاد دیجیتال کشور شکل گرفت.
هاشمی بر ایجاد زیرساخت ابری ملی تأکید کرد و افزود: این زیرساخت به پژوهشگران و صنعتگران امکان می‌دهد

زیرساخت مهم برای زیست‌بوم فناوری به شمار می‌رود.
امضای تفاهم‌نامه همکاری چهار جانبه برای توسعه زیست بوم فناوری آذربایجان شرقی

بیستم اسفند ماه پارسال بود که با هدف تقویت تعاملات فن‌آورانه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تفاهم‌نامه همکاری چهارجانبه میان پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی، پارک علم و فناوری دانشگاه تبریز، پارک علم و فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز و صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی استان به امضا رسید.

این تفاهم‌نامه بر افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان استان، بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های علمی، مشاوره‌ای و تجربی و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای توسعه، تجاری‌سازی و انتقال دانش تأکید دارد؛ همچنین برنامه‌ریزی برای برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌های مشترک، حمایت از شرکت‌های فن‌آور، توانمندسازی اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش رقابت‌پذیری آنها از جمله اهداف اصلی این همکاری است.

جذب دانش فنی، ایجاد فضای مناسب برای استقرار شرکت‌ها در پارک‌های علم و فناوری، جلب مشارکت بخش خصوصی، ارائه تسهیلات مالی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر، سازماندهی خدمات مشاوره‌ای و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی از دیگر محورهای این تفاهم‌نامه محسوب می‌شود؛ همچنین همکاری‌های مشترک در زمینه تعریف پروژه‌های استانی، ملی و بین‌المللی و تأمین منابع مالی طرح‌های فن‌آورانه، با تمرکز ویژه بر حوزه‌های زیستی، کشاورزی، صنایع غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی، مواد پیشرفته، فناوری‌های شیمیایی، برق،

که نه تنها بر پایه یک ایده فردی بلکه بر اساس نیازهای واقعی هر استان، مزیت‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های فناورانه شکل می‌گیرد؛ این برنامه با محوریت «نوآفرین صنعت‌ساز» تلاش دارد نسل تازه‌ای از هسته‌های فن‌آور و نوآور را پرورش دهد تا در ادامه مسیر به واحدهای فن‌آور و در نهایت شرکت‌های دانش‌بنیان تبدیل شوند.

ملونی با اشاره به تصویب قانون شرکت‌های دانش‌بنیان و به دنبال آن قانون جهش تولید در کشور خاطر نشان کرد: در این مدت بسترهای خوبی برای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فراهم شده، اما در دولت چهاردهم نگاه جدیدی به این روند شکل گرفته است.

وی ادامه داد: پیش‌تر معمول بود که افراد بر اساس ایده اولیه شخصی وارد مسیر تأسیس شرکت می‌شدند و اگر طرح آنها توجیه اقتصادی و فنی داشت از حمایت پارک‌های علم و فناوری بهره‌مند می‌شدند. اما اکنون رویکرد اصلی ما این است که ایده‌ها بر پایه رفع نیازهای ملی و منطقه‌ای و در پاسخ به چالش‌های واقعی کشور تعریف شوند.

معاون دفتر پشتیبانی امور فناوری و نوآوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری افزود: بر همین مبنا، برنامه ملی نوآفرین صنعت‌ساز در قالب هفت طرح طراحی شده و شاخص‌ترین آنها، طرح شکل‌گیری هسته‌های فن‌آوری و نوآور در توسعه زیست‌بوم نوآوری استان‌ها است و پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی با اجرای موفق این برنامه توانسته الگویی برای سایر استان‌ها باشد.

وی گفت: این استان با بومی‌سازی و مدل‌سازی فرآیندها بر اساس نیازهای منطقه، نشان داد که چگونه می‌توان زیست‌بوم نوآوری را بر پایه ظرفیت‌های بومی گسترش داد.

ملونی با اشاره به شکل‌گیری ۲۰ هسته فن‌آور در مرحله نخست این طرح در آذربایجان شرقی اعلام کرد: این هسته‌ها پس از گذر از مراحل توان‌افزایی به واحدهای فن‌آور و در نهایت به موسسات فن‌آور تبدیل خواهند شد. در صورتی که این واحدها بتوانند تأییدیه دانش‌بنیان را کسب کنند، قادر خواهند بود محصولات دانش‌بنیان متناسب با نیازهای هر استان را تولید کنند.

وی درباره زمان‌بندی این طرح گفت: بازده زمانی هر گام برنامه حداکثر چهار و نیم ماه است. در گام نخست که تحت عنوان جشنواره امید در استان‌ها برگزار شد، تمرکز بر جذب ایده‌های جوانان و فعالان محلی بود. اکنون نیز پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی برنامه‌ریزی برای توان‌افزایی هسته‌های پذیرش شده را آغاز کرده تا در ۶ ماه آینده، این هسته‌ها بتوانند مراحل رشد اولیه خود را طی کنند.

ادامه دارد...

سرمقاله

تحلیلی بر سخنان رهبر انقلاب درباره‌ی دشمنی آمریکا با ایران



طرح نو؛ سردبیر

رهبر انقلاب در سخنان چند روز پیش خود درباره‌ی مذاکره با آمریکا که توسط برخی مطرح می‌شود، فرمودند که «اختلاف جمهوری اسلامی [ایران] و [ایالات متحده] آمریکا، یک اختلاف [موردی یا] تاکتیکی نیست، بلکه اختلافی [ریشه‌دار و] ذاتی است». در این ارتباط باید چند نکته را متذکر شد؛

به نظر این نگارنده، منظور ایشان از «اختلاف ذاتی» این است که اختلاف جمهوری اسلامی ایران با آمریکا تضادی در مبنا و ماهیت است که از منبع قدرت، از فهم دو دیدگاه از آزادی، و از تعریف انسان و جامعه سرچشمه می‌گیرد. این نزاع نه صرفاً یک مناقشه سیاسی بر سر یک موضوع خاص، بلکه رویارویی دو پارادایم کاملاً متفاوت است.

از دید رهبری ریشه‌ی این خصومت عمیق را باید در تقابل دو دیدگاه اساسی جستجو کرد؛ دیدگاه جمهوری اسلامی ایران که بر پایه‌ی توحید، عدالت، استقلال و نفی سلطه بنا شده است، و دیدگاه نظام سلطه جهانی که ایالات متحده آمریکا خود را نماینده و ضامن آن می‌داند. جمهوری اسلامی قدرت خود را مبتنی بر آزاده الهی، مشارکت مردم و اتکاء به نیروی درونی می‌داند و فهم ایران از آزادی، آزادی از سلطه، استقلال در تصمیم‌گیری و کرامت انسانی است. در مقابل، آمریکا مشروعیت خود را در سایه هژمونی نظامی، اقتصادی و فرهنگی جهانی تعریف می‌کند و فهم آزادی آن حول محور لیبرالیسم اقتصادی و پذیرش چارچوب‌های جهانی مبتنی بر منافع قدرت‌های بزرگ می‌چرخد. این تضاد ارزشی ذاتی، هرگونه همزیستی ساختاری را ناممکن می‌سازد.

از همان آغاز نه‌تنها ضربه‌ای که انقلاب اسلامی به منافع مستکبرانه آمریکا وارد کرد، بلکه فلسفه استقلال‌خواهی ملت ایران بود که واشنگتن را در موضع خصومت دائمی با ایران قرار داد. این انقلاب با برهم زدن نظم منطقه‌ای که آمریکا آن را مدیریت می‌کرد، عملاً اعلام کرد که دیگر هیچ سرزمینی در منطقه غرب آسیا تحت قیمومیت قدرت‌های خارجی نخواهد بود. این تصور که مشکل ایران با آمریکا از حادثه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (تسخیر لانه جاسوسی) سرچشمه می‌گیرد، یک ساده‌سازی تاریخی و تحلیلی است. مشکل ما با آمریکا نه از حادثه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سرچشمه می‌گیرد، بلکه ریشه در تاریخ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دارد؛ روزی که آمریکا به همراه انگلیس دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد تا بر منابع ملی مسلط شود. کودتای ۲۸ مرداد نقطه عطفی بود که در آن ملت ایران برای اولین بار بهای سنگین اعتماد به تعهدات ظاهری قدرت‌های غربی را پرداخت. لذا ۱۳ آبان نه آغاز خصومت آمریکا، بلکه لحظه کشف و آشکار شدن چهره واقعی این دشمنی بود. تسخیر لانه جاسوسی، پاسخ به نقشه‌ای بود که واشنگتن برای بازگرداندن ایران به مدار وابستگی طراحی کرده بود. حادثه تسخیر لانه جاسوسی نه علت دشمنی، بلکه اعلام آگاهی ملت از عمق خطر بود و این اقدام نمادی بود از درک این حقیقت که سفارتخانه فوق، مرکز توطئه‌های علیه استقلال و امنیت ملی ایران است.

در این میان، شعار «مرگ بر آمریکا» که طی چهار دهه بعد در ایران تکرار شد، نه یک تاکتیک تبلیغاتی و نه عامل اصلی منازعه است، بلکه واکنشی کاملاً طبیعی و منطقی در برابر حجم گسترده و مستمر اقدامات خصمانه آمریکاست. این شعار ترجمان فهمی تاریخی از رفتار آمریکا در جهان است؛ فهمی از سیاست‌های تحریمی، کودتاهای سازماندهی‌شده، حمایت از قتل‌عام‌ها و دیکتاتورهای منطقه، و تجاوزهای نظامی آشکار و پنهان. آمریکا با ایران دشمنی می‌کند نه به خاطر این شعار، بلکه چون نمی‌تواند استقلال ملتی را که از مدار سلطه خارج شده تحمل کند. منطلق قدرت در واشنگتن حکم می‌کند هر کشوری یا باید در چارچوب منافع آن عمل کند (تابع باشد) یا به عنوان مانع باید حذف شود (نابود گردد). این ذات استکباری آمریکا حقیقتی است که بارها در رفتار واشنگتن در منطقه آشکار شده است؛ ذاتی که جز تسلیم کامل طرف مقابل را نمی‌پذیرد.

سیستم استکبار نمی‌تواند حضور یک قدرت منطقه‌ای مستقل را تحمل کند که به طور مؤثر الگوی دیگری از حکمرانی را ارائه دهد. لذا تصور تغییر این ماهیت بدون دگرگونی اساسی در ساختار قدرت آمریکا و در نتیجه، تغییر در بنیادهای ایدئولوژیک آن، ساده‌انگارانه است. مادامی که منافع ابرقدرتی و میل به هژمونی در تار و پود سیاست خارجی آمریکا نهادینه باشد، این دشمنی ادامه خواهد داشت. با این همه، جمهوری اسلامی اساساً با مذاکره مخالفتی ندارد؛ مخالفت با تحمیل، با فشار، با منطبق تهدید و با منطبق زور است. مذاکره معتبر میان دو طرفی صورت می‌گیرد که یکدیگر را به عنوان طرف‌های برابر و دارای حق حاکمیت به رسمیت بشناسند. ایران بر سر میز مذاکره‌ای حاضر می‌شود که نتیجه آن نه تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌ها، بلکه رسیدن به تفاهم مشترک بر اساس احترام متقابل باشد. اگر آمریکا روزی دست از حمایت مطلق خود از رژیم صهیونیستی بردارد (به عنوان نماد اصلی نفوذ و تعدی آمریکا در منطقه، نیروهای نظامی خود را از منطقه غرب آسیا خارج کند و منافع ملت‌های مستقل را محترم بشمارد، آن‌گاه می‌توان درباره گفت‌وگو و مذاکره سازنده سخن گفت. مذاکره میان دو طرف مستقل و برابر ممکن است، نه مذاکره تحت فشار و تهدید.

تجزیه تاریخی روابط ایران و آمریکا نشان داده است که هرگاه ملت ایران بر اصول خود ایستاده، عزت و استقلالش حفظ شده است، و هرگاه در برابر فشار نرم یا سخت آمریکا اعتماد کرده یا در مواضع خود تردید نشان داده، خسارت دیده است. پس پاسخ نهایی به این پرسش‌ها همان است: این اختلاف، اختلافی وجودی و ماهوی است؛ ناشی از تفاوت مبنا، نه سوءتفاهم‌های دیپلماتیک، و تا زمانی که منطق استکبار بر سیاست خارجی آمریکا حاکم باشد و آن‌ها خود را مالک جهان بپندارند، این تقابل ادامه خواهد داشت. تا آن روز، ایران راه استقلال را ادامه خواهد داد، حتی اگر ثمن آن، مقاومت در برابر منطق زور باشد.

چطور کشورهای باقی مانده از شوروی مهره‌های واشنگتن می‌شوند؟

تلاش آمریکا برای ورود به آسیای میانه



طرح نو، سردبیر
در قلب اوراسیا، منطقه‌ی آسیای میانه؛ شامل کشورهای بازمانده از فروپاشی امپراتوری شوروی؛ شاهد آغاز یک بازی پیچیده و تعیین‌کننده در نظم نوین امنیتی جهان است. این بازی رقابتی نفس‌گیر میان این کشورها برای تثبیت جایگاه استراتژیک خود در معادلات جدید چالش قدرت میان شرق و غرب است؛ معادلاتی که مشخص نیست در نهایت در این بازی ژئوپلیتیکی برای همه صندلی امنی باقی خواهد گذاشت، مارش ناتو و بسط نفوذ غرب به این منطقه، صرفاً یک گسترش جغرافیایی نیست، بلکه هشدار جدی درباره‌ی بازاریابی‌های ژئوپلیتیکی است که می‌تواند ثبات چند دهه‌ی اخیر منطقه را به کلی دگرگون سازد.

آسیای میانه در تقاطع تمدن‌ها و قدرت‌ها

آسیای میانه، به موقعیت منحصر به فرد خود که درجه‌های میان شرق آسیا، روسیه، ایران و جهان غرب محسوب می‌شود، همواره نقطه‌ی کانونی توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. این منطقه که میراث‌دار جمهوری‌های شوروی سابق است، پس از استقلال (۱۹۹۱) تلاش کرده است تا یک سیاست خارجی چندوجهی را دنبال کند؛ سیاستی که هدفش حفظ توازن میان مسکو، پکن و واشنگتن بود. اما با تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد و تغییر اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده و ناتو، این توازن در حال فروپاشی است. ناتو، که نفوذ اولیه خود را بر امنیت اروپا و مقابله با روسیه در مرزهای شرقی‌اش قرار داده بود، اکنون به تدریج در حال گسترش دامنه‌ی عملیاتی خود به سمت شرق و جنوب شرقی است، جایی که منابع انرژی و مسیرهای ترانزیتی حیاتی قرار دارند.

این بسط نفوذ ناتو، نه از طریق عضویت مستقیم (که برای این کشورهای بی‌طرف یا غیرمتعهد غیرممکن است)، بلکه از طریق دیپلماسی امنیتی، همکاری‌های نظامی محدود، کمک‌های فنی و ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی عمیق صورت می‌گیرد. هدف اصلی، کاهش تدریجی وابستگی این کشورها به کرملین، محاصره‌ی ژئوپلیتیکی ایران و کاهش نفوذ چین در بلندمدت و جایگزینی آن با یک چارچوب همکاری امنیتی تحت رهبری غرب است. این فرایند، منطقه را به «جهنم اوراسیا» تبدیل می‌کند، جایی که هر حرکت اشتباه می‌تواند به معنای از دست دادن استقلال عملیاتی باشد.

ازبکستان و وابستگی اقتصادی به واشنگتن؛ در میان این تحولات، اقدامات ازبکستان تحت رهبری شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهور این کشور، بسیار قابل تأمل است. میرضیایف که پس از به قدرت رسیدن، به دنبال مدرنیزاسیون سریع و گشایش اقتصادی بود، عملاً مسیر خود را به سوی غرب هموار کرده است. در اقدامی که از منظر دیپلماتیک کم‌سابقه تلقی می‌شود، رئیس‌جمهور ازبکستان، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را «رئیس‌جمهور صلح» خواند و همزمان با واشنگتن یک بسته‌ی تجاری و اقتصادی عظیم امضا کرد. این استقبال علنی از یک چهره‌ی بسیار بحث‌برانگیز در سیاست جهانی، نشان‌دهنده‌ی تمایل آشکار تاشکند برای کسب حمایت‌های اقتصادی و امنیتی واشنگتن، حتی در تضاد با رویکردهای رایج در منطقه است.

این معاملات نشان‌دهنده‌ی سرمایه‌گذاری عظیم و عمیق اقتصادی است که ازبکستان را مستقیماً در مدار سیاست‌های ایالات متحده قرار می‌دهد. از جمله توافقات اولیه به مبلغ

۳۵ میلیارد دلار در سه سال آینده و چشم‌انداز ۱۰۰ میلیارد دلاری که برای یک دهه آتی تنظیم شده است. این سرمایه‌گذاری‌ها حوزه‌های زیر را در بر می‌گیرد؛ ۱- مواد معدنی مهم از جمله دسترسی به ذخایر عظیم اورانیوم، طلا و مس ازبکستان که برای زنجیره تأمین فناوری و دفاعی غرب حیاتی است. ۲- ورود شرکت‌های غربی به صنعت نوپای تولید قطعات در ازبکستان. و ۳- پروژه‌های بزرگ در زمینه انتقال انرژی و توسعه حمل و نقل، که به طور غیرمستقیم با استانداردهای غربی همسو می‌شوند.

این حجم از وابستگی متقابل، ازبکستان را به یکی از مهره‌های محوری و کلیدی واشنگتن در آسیای مرکزی بدل می‌سازد. در مقابل، این وابستگی، دست ازبکستان را در برابر فشار مسکو و پکن تضعیف می‌کند. ازبکستان با دور شدن از مدل سنتی تعامل با اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا تحت رهبری روسیه، در حال انتخاب یک شریک راهبردی جایگزین است. این حرکت، توازن قدرت منطقه‌ای را به طور جدی به نفع غرب تغییر می‌دهد، زیرا ازبکستان بزرگترین کشور پرجمعیت منطقه و دارای پتانسیل نظامی قابل توجهی است.

قزاقستان و نفوذ نرم ناتو

قزاقستان هم به عنوان بزرگترین اقتصاد منطقه و دارنده ذخایر انرژی عظیم و مرزهای طولانی با روسیه، همواره نقشی دشوار در حفظ توازن ایفا کرده است. با این حال، اقدامات اخیر نورسلطان نشان می‌دهد که توازن به سمت پذیرش تعاملات امنیتی و ژئوپلیتیکی غرب متمایل شده است. همزمان با تحولات اقتصادی ازبکستان، قزاقستان در عرصه‌ی ژئوپلیتیک، گامی مهم در جهت همسویی با محور غربی برداشته است. این کشور به عنوان نخستین دولت در آسیای مرکزی، به توافق‌نامه‌های ابراهیم پیوست. توافق‌نامه‌های ابراهیم که در سال ۲۰۲۰ با وساطت آمریکا میان اسرائیل و چند کشور غربی امضا شد، هدف اصلی‌اش بازاریابی خاورمیانه تحت نفوذ آمریکا و مقابله با محور ایران بود. اکنون شاهد انتقال بستر عملیاتی این توافقات به شرق می‌باشیم.

رسانه‌های غربی این اقدام را «تاریخی» توصیف کرده‌اند، زیرا این اولین بار است که یک کشور آسیای مرکزی آشکارا وارد چارچوب امنیتی و دیپلماتیک مبتنی بر عادی‌سازی روابط با اسرائیل می‌شود. این امر نشان‌دهنده‌ی پذیرش چارچوب امنیتی پیشنهادی آمریکا برای منطقه است.

تحلیل‌گران منطقه‌ای پیش‌بینی می‌کنند که جمهوری آذربایجان (که روابط نزدیکی با

رژیم اسرائیل دارد) و ازبکستان نیز به‌زودی در صف پیوستن به این توافقات قرار گیرند. این روند، به وضوح انتقال پروژه‌ی عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل از محدوده‌ی خاورمیانه به آسیای مرکزی را نشان می‌دهد؛ انتقالی که پتانسیل برهم زدن موازنه‌های سنتی و ائتلاف‌های قدیمی منطقه را داراست. این تحول، مقدمه‌ای برای همکاری‌های عمیق‌تر نظامی و اطلاعاتی با بازیگرانی است که در چارچوب ناتو فعال هستند.

ناتو به طور مستقیم به دنبال عضویت کشورهای آسیای میانه نیست، اما نفوذ خود را از طریق برنامه‌های «شراکت برای صلح» و تعاملات دوجانبه امنیتی تعمیق می‌بخشد. قزاقستان میزبان رزمایش‌های مشترک با نیروهای غربی بوده و همکاری‌ها در زمینه‌هایی نظیر مبارزه با تروریسم، امنیت سایبری و مدیریت مرزها گسترش یافته است. این همکاری‌ها به تدریج استانداردها و دکترین‌های نظامی غربی را در ساختارهای دفاعی این کشورها نهادینه می‌کند.

تاجیکستان و ترکمنستان؛ مهره‌هایی در انتظار تصمیم

در حالی که ازبکستان و قزاقستان به سرعت در حال حرکت به سوی مدار غرب هستند، دو کشور دیگر منطقه، یعنی تاجیکستان و ترکمنستان، هنوز در وضعیت پیچیده‌تری قرار دارند.

تاجیکستان به دلیل مرزهای طولانی و پرچالش خود با افغانستان و وابستگی امنیتی شدیدی که به روسیه از طریق پایگاه نظامی روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی دارد؛ و با این حال، بی‌عملی روسیه در قبال نفوذ فراینده طالبان در مرزهای شمالی تاجیکستان، این کشور را وادار کرده است تا به دنبال تأمین مالی و پشتیبانی‌های فنی از سوی غرب باشد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر کمک‌های قابل توجهی به نیروهای مرزی تاجیکستان ارائه داده‌اند. این حمایت‌ها، هرچند با محوریت مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم توجیه می‌شوند، اما در بلندمدت راه را برای تأثیرگذاری غرب بر ساختار امنیتی تاجیکستان باز می‌کنند. این کشور احتمالاً به عنوان یک «پایگاه پیش‌رو» در برابر بی‌ثباتی افغانستان، به طور غیررسمی تحت چتر امنیتی غرب قرار خواهد گرفت.

ترکمنستان هم که سنتاً سیاست بی‌طرفی فعالی را اتخاذ و از هرگونه ائتلاف نظامی دوری جسته است، اما با توجه به منابع عظیم گاز طبیعی و موقعیت جغرافیایی‌اش، نمی‌تواند کاملاً از معادلات اوراسیا دور بماند. با این حال، تاکنون ترکمنستان تلاش کرده است تا

تعاملاتش با غرب را محدود به بخش انرژی نگه دارد. اگر فشار غرب بر روسیه و چین افزایش یابد، ترکمنستان با یک انتخاب دشوار روبرو خواهد شد؛ حفظ انزوا و به خطر انداختن توسعه اقتصادی، یا استفاده از ذخایر انرژی خود به عنوان اهرمی برای کسب امتیاز از بازیگران مختلف، که این امر آن را به یک «مهره‌ی بسیار ارزشمند» تبدیل خواهد کرد که همه طرف‌ها برای به دست آوردن آن تلاش خواهند کرد.

واکنش‌ها و چالش‌های پیش رو برای چین و روسیه

گسترش نفوذ ناتو در آسیای میانه، مستقیماً منافع استراتژیک روسیه و چین را تهدید می‌کند. مسکو این تحولات را با نگرانی عمیق مشاهده می‌کند. روسیه آسیای میانه را حیاط خلوت استراتژیک خود می‌داند و گسترش هرگونه حضور نظامی یا امنیتی غرب را تجاوز به حوزه‌ی نفوذ خود تلقی می‌کند. با این حال، جنگ در اوکراین توانایی روسیه برای واکنش نظامی یا اقتصادی قاطع را به شدت محدود کرده است. مسکو مجبور است تمرکز بیشتری بر نهادهایی مانند CSTO و EAEU بگذارد تا از خروج کامل این کشورها جلوگیری کند، اما جذابیت اقتصادی غرب، به ویژه در شرایطی که تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه سایه افکنده، رقابت را برای مسکو بسیار دشوار ساخته است.

چین نیز نگران است. ابتکار کمربند و جاده (BRI) وابستگی عمیقی به ثبات این منطقه دارد. نفوذ فراینده‌ی آمریکا در بخش انرژی و معدن (همانطور که در مورد ازبکستان دیدیم) می‌تواند به طور بالقوه دسترسی چین به مواد خام حیاتی را در بلندمدت به خطر اندازد. پکن احتمالاً تلاش خواهد کرد تا با ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری جایگزین و تأکید بر «عدم مداخله» در امور داخلی، کشورهای آسیای میانه را به سمت خود متمایل نگه دارد. با این حال، جذابیت ناتو در زمینه امنیت سایبری و دسترسی به بازارهای پیشرفته‌تر، تعادل را به سمت غرب سوق می‌دهد.

در پایان باید گفت؛ در جهانی که نظم‌های پیشین در حال بازتعریف و فروپاشی هستند، تنها کشورهایی که با دقت، استقلال عملیاتی و درک راهبردی از منافع ملی خود حرکت کنند، از این گرداب عبور خواهند کرد. باقی‌ماندگان، یا صرفاً مهره‌هایی در دست قدرت‌های بزرگ خواهند بود، یا قربانیانی ناخواسته در این بازی قدرت که محور آن در حال حاضر، ورود رسمی آسیای میانه به مدار امنیتی-اقتصادی ناتو است؛ جهنمی که اوراسیا را برای دهه‌های آینده شکل خواهد داد.

پیام اقتصادی

هیچ تضمینی در دنیای سرمایه‌گذاری نیست، در همه‌چیز ریسک وجود دارد؛ بنابراین آمادگی

بالا و پایین‌های بازار را داشته باشید

نقش فراموش شده فرهنگ هواداری در ورزشگاه‌های ایران



طرح نو؛ گروه ورزش
سلاح محرومیت تماشاگرانی مسابقات در دست نیست

با توجه به اینکه فرهنگ هواداری با آبروی ملی ارتباط مستقیم دارد نباید نقش تأثیرگذار کمیته فرهنگی و مسئولیت اجتماعی در ورزشگاه‌های کشور به یاد فراموشی سپرده شود. برای بهبود وضعیت موجود ورزشگاه‌ها با استاد رسول صادقی کارشناس و مربی فوتبال تیریزی گفت و گو کرده و به زعم وی از آنجایی که هواداران یکی از ارکان اصلی رقابت‌های ورزشی هستند و ورزش فوتبال به عنوان پرمخاطب‌ترین رشته ورزشی از این قاعده مستثنی نیست نقش کمیته فرهنگی و مسئولیت اجتماعی در ورزشگاه‌ها از سوی دیگر نهادهای اداری از قبیل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و دیگر نهادهای فرهنگی باید بررسی و مورد بازخواست قرار بگیرد و تنها باشگاه مطبوع و اداره ورزش و جوانان مرکز سبیل انتقادات کم کاری فرهنگی قرار نگیرند.

وی با بیان اینکه مسائل فرهنگی، باورها و ارزش‌های هر جامعه‌ای مختص آن جامعه است، عنوان کرد: باید ابتدا سواد فرهنگی هواداران را ارتقا دهیم که متأسفانه در این خصوص تا به حال کاری انجام داده نشده است و گاهی شاهد بروز تخلفاتی از سوی عده‌ای از تماشاگر نماهای حاضر در ورزشگاه هستیم که اگر مدیران و متولیان امر فوتبال و ورزش در کشور به صورت ریشه‌ای و تخصصی راه حلی برای اصلاح آن پیدا نکنند ممکن است تبعات ناخوشایندی داشته باشد.

صادقی با اشاره به بالا رفتن سیستم‌های فناوری در جامعه، اضافه کرد: عملکرد هواداران در سکوهای ورزشگاه آبروی ایران را به نمایش می‌گذارد و هر رفتاری بازتابی از فرهنگ آن کشور می‌باشد.

وی از لذت تماشاگر فوتبال که حلقه مفقوده ورزشگاه‌های ایران است سخن گفته و عدم دست یابی به این مهم را ناشی از عملکرد ضعیف مدیران ورزشی دانست.

کارشناس ورزشی اذعان داشت: با توجه به عدم ارائه برنامه‌های فرهنگی از سوی نهادهای ذیل در این امر اکثر رسانه‌ها برای بررسی مشکلات ورزشگاه‌ها هیئت فوتبال و اداره ورزش و جوانان را سبیل خود قرار می‌دهند در حالی که ساختارهای فرهنگی تحت تأثیر عملکرد نهادهایی بیش از نهادهای گفته شده می‌باشد.

حقوقی تماشاگران و هواداران فوتبال نقش خودمان را ایفا کنیم. صادقی اضافه کرد: به دنبال ارتقا فرهنگ هواداری شاهد ارتقا کیفیت فوتبال حرفه‌ای، افزایش رضایت مندی تماشاگران و همچنین افزایش امنیت و کیفیت ورزشگاه‌ها خواهیم بود. کارشناس فوتبال اظهار کرد: مدیران ورزشی می‌توانند با ارائه آموزش، اطلاعاتی به تماشاگران از قبیل اینکه در داخل ورزشگاه چه رفتاری را باید انجام دهند و چه رفتاری را نباید انجام ندهند در بهبود وضعیت ورزشگاه تأثیر گذار باشند و این منطقی است که اگر کسی از چنین بایدها و نبایدها عدول کند دچار محرومیت می‌شود و باید این جریمه فقط شامل حال متخلفان باشد و نه اینکه کل تماشاگران محروم شوند.

صادقی عنوان کرد: در ورزشگاه باید شرایطی فراهم شود که تماشاگر فشارهای بیرون از ورزشگاه را فراموش کرده و فضای ورزشگاه برای آنها لذت بخش و نشاط آور باشد اما به این دلیل که این موضوع فراموش شده است و مسئولان برای آن فکری نکرده‌اند شاهد آنباشت خشونت در محیط ورزشگاه‌ها هستیم. کارشناس فوتبال در خصوص نقش لیدرها توضیح داد: تا زمانی که کانون‌های هواداری به نقش اصلی خود را در ساختار باشگاه‌ها عمل نکنند، لیدرها که نماینده انسانی این کانون‌ها هستند نمی‌توانند در توسعه فرهنگ هواداری حرکتی داشته باشند لذا ابتدا باید کانون‌ها مستقل باشند و همچنین مسئولین باشگاه‌ها باید ساختار کانون را مثل دیگر ارکان باشگاه در نظر بگیرند.

کمیته فرهنگی و مسئولیت اجتماعی باید توسط افرادی که توانمند و متخصص این حوزه هستند تشکیل و مسائل مربوط به سکوها و هواداران را به دقت ریشه یابی کنند و در جهت اصلاح ضعف‌ها و ارتقا سواد هواداری برنامه‌هایی را پیاده کنند که متأسفانه در طول این سال‌ها هواداران و حقوق هواداران به دست فراموشی سپرده شده است.

گفتنی است، در خطه آذربایجان پرشورهای تراکتور که با تیم محبوب خود زندگی کرده و ارتباط تنگاتنگی از لحاظ فرهنگ، سنن و غیرت منطقه‌ای با تیم محبوب تراکتور داشته و دارند. به نوعی هویت ملی را به نمایش می‌گذارند.

تیم فوتبال تراکتور از زمان تشکیل خود که به سال ۱۳۲۹ شمسی در شهر تبریز بر می‌گردد همواره مورد حمایت هواداران خود بوده و بخصوص از سال ۱۳۸۸ که این تیم تیریزی توسط فراز کمالوند به لیگ برتر صعود کرد از آن زمان تا کنون چه در بازی‌های خانگی و چه در بازی‌های خارج از خانه حمایت و همراهی تیم را از سوی هواداران خود داشته است.

امسال تراکتور تنها نماینده ایران در بازی‌های لیگ نخبگان آسیا می‌باشد و از چهار بازی انجام شده ۸ امتیاز را دشت کرده و در این چهار بازی که ۲ بازی در خانه انجام گرفته از حمایت و حضور بیش از ۷۰ هزار تماشاگر بهره برده است و بی شک این حضور در نتایج کسب شده تأثیر گذار بوده است.

هواداران تراکتور با شعارهای فرهنگی از قبیل «عیبی بوخ» (مشکلی نیست جبران می‌کنید) زمان گل خوردن، «سن چاغیرسان گلرم من» (هر وقت صدایم کنی میام) قبل از شروع بازی و حین بازی، «بیر ایکی اوچ» (یک، دو، سه) زمان ورود به میدان و زمان اتحاد و پایان بازی، و شعارهای دیگر فوتبالی در طول بازی به بازیکنان تیم خود روحیه و حمایت همه جانبه را القا می‌کنند. /مهر

مربی تراکتور:

مشکل ما عدم تمرکز بود نه خستگی



طرح نو؛ گروه ورزش
مربی تیم فوتبال تراکتور گفت: تعداد دفعاتی که بازیکنان خبیر روی زمین افتادند عجیب و عصبی کننده بود و آنان وقت تلف می‌کردند.

به نقل از رسانه رسمی باشگاه تراکتور، ویه‌کو میلنچ در نشست خبری بعد از بازی با خبیر خرم‌آباد، اظهار داشت: به خبیر بابت برد تریک می‌گویم. نمی‌خواستیم مثل آنان بازی کنیم و به توپ‌های بلند رو بیاوریم. امروز نتوانستیم مثل همیشه توپ را در زمین بچرخانیم و وقتی در این جو هواداری و وضعیت بد زمین بخواهیم مثل آنان بازی کنیم، کار برایشان سخت می‌شود.

وی افزود: تراکتور بازی‌های خوبی در لیگ داخلی و آسیا داشت و نتوانستیم آن عملکرد درخشان که بازی با مالکت بالا و پاس‌های کوتاه بود را نشان دهیم. برای قهرمانی باید بازی‌های این‌چنینی در شرایط سخت مقابل حریف سخت‌کوش را پیروز شویم و باید صددرصد خودمان را بگذاریم. صد گذاشتن فقط به دوییدن نیست و باید تمرکز داشته باشیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا خستگی بازیکنان در این نتیجه تأثیر داشت، گفت: وقتی بازی با باخت همراه است، می‌شود در مورد خستگی هم صحبت کرد. من معتقدم تیمی که تعداد بازی زیادی دارد، استقامت بازیکنانش بالا می‌رود. موافق نیستیم که خسته بودیم. از قضا دوندگی زیاد داشتیم و فقط تمرکز کافی را در مقاطع مختلف بازی نداشتیم.

نمی‌توانم بگویم مشکل جسمی است. می‌شود بعد از باخت، شکست را گردن خستگی بازیکنان انداخت، اما من این کار را نمی‌کنم.

مربی تراکتور درباره عملکرد خط دفاعی تیم در دیدار امروز، بیان کرد: تیم خبیر ساتر و اوت‌های بلند بسیار زیادی داشت. عملکرد خط دفاعی ما خوب بود و توپ‌های زیادی دفع کردیم. در دقایق پایانی نیمه اول گل خوردیم و تمرکز کافی نداشتیم. به نظرم پس از گلی که زدیم، بیش از حد عقب نشستیم. وقتی تعداد ارسال‌ها زیاد باشد، ممکن است تیم گل بخورد. عملکرد خط دفاعی

جای انتقاد ندارد. در خصوص گل دوم هم، در استادیوم خانگی آنان در این وضعیت بد زمین و پرس شدید حریف، باید مواظب باشید؛ یک اشتباه منجر به گل می‌شود. امروز موقعیت‌های زیادی داشتیم و می‌توانستیم گل‌های بیشتری بزنیم. در برخی بازی‌ها با فرصت گل‌زنی کمتر، گل‌های زیادی به ثمر رساندیم، اما در برخی دیدارها علی‌رغم تعداد موقعیت زیاد، در گل‌زنی ناکام بودیم. در خصوص عملکرد ضعیف دفاع و حمله اصلاً موافق نیستیم.

وی درباره جو ورزشگاه و جدال نیمکت‌های دو تیم گفت: ما هواداران زیادی داریم و امروز جای خالی آنان حس شد. هواداران مان همیشه حمایت خوبی می‌کنند. هواداران حریف هم به تیم‌شان انرژی می‌دادند. هر موقع تیم ما بر بازی مسلط بود، بازیکنان حریف روی زمین می‌خوابیدند و پزشک وارد زمین می‌شد و ما به نیمکت حریف اعتراض کردیم که منطقی بود. تعداد دفعاتی که بازیکنان حریف روی زمین افتادند، عجیب و عصبی‌کننده بود. آنان وقت‌کشی می‌کردند. با توجه به شرایط زمین بازی، هیجانات حریف بالا بود و تنش بین نیمکت‌ها طبیعی است. در صحنه‌ای من خواستم توپ را به بازیکن خودم برسانم که نیمکت حریف اعتراض کرد. شبیه جنگ است که رقابت باید در کمال احترام باشد. هواداران ما هم همواره جو بسیار خوبی در ورزشگاه ایجاد می‌کنند.

میلنچ در خصوص تأثیر نبود شجاع خلیل‌زاده در نتیجه این دیدار، گفت: شجاع خلیل‌زاده را بهتر از من می‌شناسید. به‌عنوان کاپیتان، ارزش فراتر از کاپیتان به تیم می‌دهد و انرژی او که به تیم تزریق می‌کند، مثال‌زدنی است. جای او خالی بود. فرشاد فرجی هم مدت‌هاست بازی نکرده بود، اما عملکردش عالی و بدون اشتباه بود. او دوندگی بالا داشت، سرهای اول را زد و حداقل اشتباه را داشت. بازی او قابل توجه بود. کیفیت شجاع هم به‌عنوان بازیکن ملی‌پوش ثابت شده است و جای او حس می‌شود، اما عملکرد فرجی اصلاً ضعیف نبود.

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

واگذاری امور مربوط به حفاظت و اراضی ملی و دولتی در سطح استان (نوبت دوم)



اداره کل راه و شهرسازی
آذربایجان شرقی

اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی در نظر دارد امور مربوط به حفاظت و نگهداری از اراضی و املاک در اختیار اداره کل راه و شهرسازی در سطح استان را برای مدت هفت ماه به پیمانکار واجد شرایط که موضوع فعالیت مرتبط با نگهداری و حفاظت از اراضی داشته باشد و دارای امکانات نیروی انسانی و تجهیزات کافی و توان فنی و اجرایی و گواهی صلاحیت از دستگاه‌های نظامی و انتظامی بوده باشد واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی

را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. پیمانکاران متقاضی می‌توانند از تاریخ نشر نوبت دوم آگهی مدت پنج روز جهت اخذ اسناد مناقصه و سپس ارائه پیشنهاد قیمت به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس اینترنتی فوق‌الشاره مراجعه فرمایند، توضیح اینکه هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: به مدت پنج روز از تاریخ نشر آگهی اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه آدرس: تبریز-سرالایی ولیعصر- اداره کل راه و شهرسازی استان- مدیریت املاک، تلفن: ۰۴۱۳-۳۶۹۱۰۷۵

طرح نو؛ سردبیر

هر از چندگاهی در فضای مجازی، تلاش‌هایی سیستماتیک و البته غیر علمی و غیر آکادمیک صورت می‌گیرد تا افسانه‌ی «دده قورقود» را به عنوان «حماسه طبیعی ترک زبانان آذربایجان» معرفی کنند. این ادعا، که غالباً با انگیزه‌های سیاسی منتشر می‌شود، نیازمند بازرینی دقیق علمی و تاریخی است. هدف از این مقاله نیز بررسی انتقادی این ادعا با استناد به پژوهش‌های معتبر زبان‌شناسی، تاریخ ادبیات و جغرافیاست. در این مسیر، از تحلیل‌های پژوهشگران برجسته، به‌ویژه کتاب «آذربایجان و شاهنامه؛ تحقیقی دربارهٔ جایگاه آذربایجان، ترکان و زبان ترکی در شاهنامه و پایگاه هزارسالهٔ شاهنامه در آذربایجان» به قلم دکتر سجاد آیدنلو، به عنوان مبنای تحلیلی استفاده خواهد شد تا جایگاه واقعی دده قورقود در بافت فرهنگی آذربایجان روشن گردد.

بیش از ورود به بحث اصلی باید گفت که؛ تأکید بر «حماسه طبیعی» بودن یک متن، مستلزم وجود ریشه‌های عمیق، انعکاس جغرافیای محلی، و تداوم در حافظه شفاهی و مکتوب جامعه‌ای است که آن را مدعی مالکیت آن می‌داند. بررسی این مؤلفه‌ها در مورد دده قورقود و مقایسه آن با شاهنامه‌ی فردوسی، نشان خواهد داد که چرا این مجموعه، هرچند از نظر زبان‌شناسی ترکی اهمیت دارد، اما نمی‌تواند به عنوان میراث بنیادین و بومی آذربایجان تلقی شود.

ماهیت دده قورقود و حوزه جغرافیایی روایات

افسانه‌ی «دده قورقود» شامل دوازده داستان پهلوانی است که از نظر مطالعات زبان ترکی در معنای عام، به ویژه در حوزه زبان‌های اوغوز، اهمیت فراوانی دارد. این مجموعه، به دلیل قدمت زبانی و سبک روایی خاص خود، منبعی مهم برای شناخت جهان‌بینی و ساختارهای اجتماعی قبایل کوچ‌نشین اوغوز در سده‌های میانه میلادی محسوب می‌شود.

تحلیل دقیق محتوای متنی این داستان‌ها، تمرکز جغرافیایی روایات را به وضوح در قلمرو تاریخی اوغوزها نشان می‌دهد. این قلمرو، که جغرافیای تاریخی نویسندگان و محققین درباره آن توافق دارند، عمدتاً در آسیای میانه و مناطقی پیرامون رود سیحون (سیردریا) و استپ‌های شمال دریای آرال قرار داشته است. مناطق اصلی ذکر شده در روایات بدین ترتیب است: قیباق؛ منطقه‌ای وسیع در استپ‌های شرقی دریای خزر-سوغد؛ اشاره به نواحی شرقی-تر. و سرزمین‌های رود سیحون که این منطقه به عنوان خاستگاه اصلی بسیاری از دگرگری‌ها و زندگی شخصیت‌ها معرفی می‌شود. این مناطق امروزه بیشتر شامل بخش‌هایی از قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان می‌شوند. شخصیت‌های اصلی مانند «سالور قازان»، «بامسی بیبرک» و دیگر قهرمانان، غالباً در حال جنگ با دشمنانی مانند «کفرها»، «گورج‌ها» و ساکنان سرزمین‌های شرقی‌تر هستند.

جایگاه آذربایجان در متن: اگرچه در برخی تحریرهای متأخر (که ممکن است تحت تأثیر مهاجرت‌ها و تماس‌های فرهنگی بعدی شکل گرفته باشند)، مناطقی از آناتولی یا قفقاز به ساختار برخی داستان‌ها راه یافته‌اند، اما این شواهد پراکنده، هسته مرکزی و جغرافیای روایی اصلی مجموعه را تغییر نمی‌دهند. دکتر آیدنلو در پژوهش‌های خود بارها تأکید کرده است که ارتباط این مجموعه با آذربایجان تاریخی بسیار سست و مبتنی بر اشتراکات زبانی عام‌تر ترکی است، نه پیوند جغرافیایی یا تاریخی خاص. «دده

قورقود» بیشتر یک حماسه «اوغوز-ترکمنی» یا «آسیای مرکزی» است که زبان آن، سلف زبان‌های امروزی ترکی است، اما از نظر محتوا، فاقد هویت سرزمینی آذربایجان است.

غیبت نام آذربایجان در متن دده قورقود

یکی از قوی‌ترین دلایل رد ادعای «حماسه‌ی طبیعی» بودن دده قورقود برای آذربایجان، سکوت کامل متن در ذکر نام این سرزمین است.

در حالی که یک حماسه ملی یا طبیعی، به ناچار باید انعکاس دهنده محیطی باشد که در آن شکل گرفته و رواج یافته است. این انعکاس باید در ذکر مکان‌های کلیدی، نام‌گذاری شهرها، رودخانه‌ها، کوه‌ها یا اشاره مستقیم به هویت قومی/سرزمینی خود را نشان دهد. فرض کنید اگر دده قورقود حماسه‌ای بود که ریشه‌های عمیقی در فرهنگ آذربایجان داشت، انتظار می‌رفت که حداقل یک بار نام این سرزمین یا مراکز مهم آن مانند «اردبیل»، «تبریز»، «مراغه» یا حتی اشاره به جغرافیاهایی نظیر «قره‌باغ» (به عنوان منطقه‌ای مورد نزاع یا اهمیت) در میان دوازده داستان ذکر شود. اما واقعیت متن دده قورقود عاری از هرگونه اشاره مستقیم به نام آذربایجان است و این فقدان، به ویژه وقتی در مقابل حماسه‌های رقیب یا مکمل قرار می‌گیرد، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

در مقابل، نویسندگان ادعاهای مذکور، اغلب شاهنامه فردوسی را حماسه‌ای «مصنوعی» می‌خوانند تا ارزش دده قورقود را بالا ببرند. با این حال، بررسی شاهنامه نشان می‌دهد که این اثر، علیرغم اینکه یک حماسه به زبان فارسی است، اما جایگاه بسیار ستوده و نمایانی برای پهلوانان و شهرهای واقع در قلمرو آذربایجان تاریخی قائل است:

ذکر دائم پایتخت‌ها و رزمگاه‌ها؛ شاهنامه به طور مداوم از شهرهایی که امروزه در محدوده آذربایجان قرار دارند (یا جزئی از قلمرو تاریخی آن بوده‌اند) یاد می‌کند.

شخصیت‌های آذربایجانی: حضور پررنگ شخصیت‌ها و پهلوانان دیگر ساکن در منطقه‌ی آذربایجان نشان‌دهنده حضور این منطقه در ادبیات حماسی رایج در ایران است.

هویت جغرافیایی ایرانی: آذربایجان در شاهنامه همواره به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ایران بزرگ (فارغ از مناسبات سیاسی زمان فردوسی) معرفی می‌شود.

در نهایت باید بگویم که غیبت «آذربایجان» در «دده قورقود» و برعکس حضور برجسته‌ی آن در شاهنامه، تفکیک واضح حوزه جغرافیایی و فرهنگی این دو اثر را اثبات می‌کند.

نفوذ فرهنگی؛ شاهنامه در برابر دده قورقود

سنجش نفوذ فرهنگی یک اثر حماسی در یک جامعه، از طریق میزان بهره‌برداری عامه مردم از نمادها، اسامی و تلمیحات آن قابل اندازه‌گیری است. در آذربایجان، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شاهنامه صدها سال پیش از آنکه دده قورقود به شکل مکتوب شناخته شود، بخشی از جهان‌بینی مردم بوده است.

به طوری که تا قرن بیستم میلادی و حتی امروز، استفاده از نام‌های شخصیت‌های شاهنامه در میان مردم آذربایجان به طور گسترده‌ای رواج داشته است. نام‌هایی نظیر «رستم»، «سهراب»، «فریدون»، «شیرین» و «بهزاد» در آذربایجان به کار رفته‌اند. و این نشان می‌دهد که فرهنگ روایی شاهنامه، به دلیل نزدیکی زبان فارسی به



زبان‌های محلی و تماس‌های فرهنگی دیرینه، توانسته است وارد زندگی روزمره شود.

در مقابل، تقریباً هیچ اثری از رواج گسترده اسامی شخصیت‌های روایات دده قورقود (مانند «بامسی بیبرک»، «بوقاج»، «أروچ اوغلو») در میان اهالی آذربایجان، چه در متون تاریخی و چه در اسامی مرسوم، به چشم نمی‌خورد. و این امر نشان می‌دهد که این مجموعه، هرگز به عنوان منبع نام‌گذاری یا الگوی شخصیتی در این منطقه پذیرفته نشده است. دکتر آیدنلو به درستی اشاره می‌کند که شاهنامه یک «پایگاه هزارساله» ادبی در آذربایجان دارد. این پایگاه نشان‌دهنده پیوستگی تاریخی و فرهنگی است. در مقابل، دده قورقود، هرچند از نظر زبان‌شناسی ترکی اهمیت دارد، اما نفوذ و پذیرش فرهنگی آن در آذربایجان، بسیار محدودتر و متأخرتر است و بیشتر در دوران معاصر و در پی تلاش‌های پان‌ترکیستی برای بازسازی یک هویت حماسی واحد، مورد توجه قرار گرفته است.

این عدم استقبال تاریخی و فرهنگی از نام‌ها و نمادهای دده قورقود، قوی‌ترین دلیل بر عدم تعلق «طبیعی» این حماسه به آذربایجان است.

فقدان میراث شفاهی و تلمیحات ادبی

میراث حماسی یک قوم، نخست در حافظه شفاهی و روایت‌های سینه‌به‌سینه آن زنده می‌ماند و سپس در ادبیات مکتوب بازتاب می‌یابد. فلذا اگر دده قورقود حماسه‌ای «طبیعی» برای مردم آذربایجان بود، انتظار می‌رود که داستان‌های آن از سده‌ها پیش به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه در مجالس و در میان عاشق‌ها نقل می‌شد. در حالی که روایت‌های شفاهی عاشیقی آذربایجان، به شدت متأثر از منظومه کوراوغلو و همچنین شاهنامه هستند، ارجاعات مشخص به شخصیت‌ها یا طرح‌های اصلی دده قورقود در منابع شفاهی قدیمی آذربایجان نادر و یا اصلاً وجود ندارند. بررسی اشعار شاعران بزرگ ترکی‌سرای آذربایجان در طول قرون (از فضولی و خاقانی گرفته تا شهریار) نیز تفاوت فاحشی را آشکار می‌سازد. و آن این که شاعران آذربایجانی به وفور از تلمیحات اساطیری ایرانی و شاهنامه‌ای (مانند سخاوت حاتم طایی، شجاعت رستم، یا عشق لیلی و مجنون) استفاده کرده‌اند که این نشان‌دهنده پیوند عمیق ادبی منطقه با ادبیات اساطیری جنوب بوده است. اما ارجاع به نام‌ها و داستان‌های دده قورقود در ادبیات کلاسیک آذربایجان بسیار کم و یا غایب است. این بی‌اعتنایی در میان نخبگان ادبی

با تأکید بر کتاب «آذربایجان و شاهنامه» بررسی می‌شود:

رد ارتباط افسانه‌ی «دده قورقود» با آذربایجان

و فرهنگی، نشان می‌دهد که این مجموعه برای آن‌ها نه یک میراث بومی، بلکه یک اثر ادبی ترکی با منشأ جغرافیایی دیگر بوده است که در بافت فرهنگی منطقه آذربایجان تأثیر بنیادین نداشته است.

این فقدان میراث شفاهی تداوم‌دار و انزوای نسبی در حوزه ادبیات مکتوب، نشان می‌دهد که دده قورقود فاقد ریشه‌های طبیعی و بومی در آذربایجان است.

بر اساس شواهد متنی، جغرافیایی و تأثیرات فرهنگی، نتیجه‌گیری روشن است: مجموعه دده قورقود یک گنجینه ارزشمند از ادبیات و زبان ترکی اوغوز است، اما ادعای ارتباط مستقیم و بنیادین آن با هویت حماسی مردم آذربایجان به عنوان «حماسه طبیعی»، فاقد پشتوانه تاریخی و پژوهشی لازم است!

تحلیل زبان‌شناختی و قدمت زبانی

یکی از نقاط تمرکز مدعیان ارتباط دده قورقود با آذربایجان، زبان ترکی این مجموعه است. برای درک بهتر ابعاد این مسئله، لازم است به تمایز میان «زبان ترکی اوغوز» و «زبان ترکی آذربایجانی» پرداخته شود: زبان به کار رفته در دده قورقود، زبانی از شاخه‌ی ترکی اوغوز است که متعلق به دوران پیش از شکل‌گیری زبان‌های متمایز کنونی در قرون ۱۲ تا ۱۵ میلادی است. این زبان، اگرچه سلف مشترک ترکی آذربایجانی، ترکی استانبولی و ترکمنی امروزی است، اما تفاوت‌های واژگانی و صرفی قابل توجهی با ترکی آذربایجانی دارد.

از جمله این که بسیاری از کلمات و ساختارهای صرفی در دده قورقود، بازتاب دهنده‌ی ترکی رایج در آسیای میانه در قرون میانه هستند. اما در زبان ترکی آذربایجان که تحت تأثیر زبان‌های ایرانی (پهلوی میانه و فارسی) و سپس عربی، شکل نوینی یافته، این کلمات و ساختارهای صرفی استفاده‌ی چندانی ندارند. و برای همین است که در یکی از چاپ های این کتاب در ایران، گردآورنده و مصحح مجبور شده در پایان کتاب برای درک این افسانه توسط مردم آذربایجان، لغت نامه‌ای را بگنجاند!

اگر دده قورقود واقعاً حماسه بومی آذربایجان بود، باید زبان آن، حتی با در نظر گرفتن تغییرات تاریخی، بازتاب‌دهنده مسیر تکامل زبان در این منطقه می‌بود. اما شواهد زبان‌شناسی نشان می‌دهد که این متن بیشتر به ذخایر زبانی مرتبط با ترکمنستان و قزاقستان امروزی نزدیک است تا ترکی رایج در تبریز و اردبیل. همچنین باید مدنظر داشت که در طول تاریخ، نفوذ زبانی متقابل بوده است. در حالی که زبان‌های ایرانی (فارسی و آذری میانه) بر واژگان ترکی آذربایجانی تأثیر گذاشته‌اند، زبان اوغوز اولیه در دده قورقود کمتر نشانه‌ای از این تأثیرات منطقه‌ای خاص را منعکس می‌کند. این تأکید بر «طبیعی بودن» یک متن، باید بر مبنای تأثیرات متقابل در طول زمان سنجیده شود؛ تأییراتی که در مورد دده قورقود به ندرت در منطقه آذربایجان دیده می‌شوند.

تحلیل اساطیری و جهان‌بینی

حماسه‌ها بازتاب‌دهنده‌ی جهان‌بینی، نظام خدایی و ساختار اجتماعی قوم سازنده خود هستند. جهان‌بینی دده قورقود، عمیقاً ریشه در شمنیسم و باورهای آلتایی دارد که در آسیای میانه رایج بود. در ادامه به برخی ویژگی‌های شخصیت دده‌قورقود اشاره می‌شود تا بدانیم که چه اندازه با فرهنگ و جهان بینی رایج در آذربایجان متفاوت است:

دده قورقود به عنوان پیشگو؛ نقش دده قورقود به

عنوان فردی که نام‌گذاری می‌کند و آینده‌بینی می‌کند، نمادی از نقش روحانیون و حکیمان در جوامع کوچ‌نشین است تا مردمان یکجانشینی چون آذربایجان! تأکید بر اسب و شکار؛ داستان‌ها سرشار از توصیف نبردهای سواره، اهمیت اسب و شکار است که مشخصه زندگی استپی است، نه لزوماً زندگی مستقر در مناطق کوهستانی و نیمه‌آبی آذربایجان.

خدایان و نیروهای ماوراءالطبیعه؛ ارجاعات به آسمان، کوه، و طبیعت در چارچوب جهان‌بینی آسیای مرکزی نمودار می‌شود نه در خداپرستی مردم آذربایجان چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام!

اما در مقابل، جهان‌بینی شاهنامه، علیرغم حضور عناصر اساطیری کهن، در چارچوب یک تاریخ‌نگاری ملی ایرانی شکل گرفته است که تأکید بر اسطوره‌های کشاورزی، شهرنشینی (مدنیت) و مفهوم پادشاهی متمرکز دارد؛ مفاهیمی که با زندگی فرهنگی غالب در آذربایجان (به ویژه از دوران ساسانی و پس از آن) همخوانی بیشتری داشتند.

پهلوانان آذربایجانی (در ادبیات متأثر از شاهنامه) غالباً مدافع مرزهای تمدن در برابر اقوام غیرتمدن‌تر (که اغلب از شمال و شرق می‌آمدند) تصویر شده‌اند، که این نقش با ساختار روایی دده قورقود کاملاً در تضاد است.

اگر قرار بود دده قورقود حماسه طبیعی آذربایجان باشد، باید در ساختار اساطیری آن، نشانه‌هایی از تأثیر ساسانی، فرهنگ آتش و مفاهیم مرتبط با جغرافیا و تاریخ ایران باستان مشاهده می‌شد؛ مفاهیمی که در دده قورقود غایب‌اند اما در شاهنامه حضوری پررنگ دارند.

تاریخ دریافت و بازتعریف متأخر

نحوه کشف و معرفی دده قورقود به جهان، خود نشان‌دهنده جایگاه آن به عنوان یک اثر «ترکی» اما نه لزوماً «آذربایجانی» است. نسخه‌های مکتوب اصلی دده قورقود، که سنگ بنای مطالعات امروزی را تشکیل می‌دهند (مانند نسخه کتابخانه واتیکان، نسخه درسدن و نسخه باکو)، عمدتاً در مناطقی جمع‌آوری یا ثبت شده‌اند که از نظر جغرافیایی به آسیای مرکزی یا قفقاز شرقی نزدیک‌تر بودند، یا توسط محققینی که به دنبال ریشه‌های زبان‌های ترکی بودند، گردآوری شده‌اند.

ادعای «حماسه طبیعی آذربایجان» بودن دده قورقود، پدیده‌ای است که بیشتر به قرن بیستم و تلاش‌های ایدئولوژیک برای ایجاد یک هویت حماسی مشترک برای تمامی اقوام ترک‌زبان معطوف می‌شود. در این تلاش‌ها، تلاش می‌شود با برجسته کردن قدمت زبانی، تعلق جغرافیایی آن به آذربایجان نیز اثبات شود. این رویکرد، از منظر پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی، یک «پس‌زنی تاریخی» محسوب می‌شود؛ یعنی تلاش برای انتساب یک میراث متعلق به منطقه الف (آسیای میانه) به منطقه ب (آذربایجان) صرفاً بر اساس اشتراک زبانی کلی.

بنابراین ضروری است که میان ادبیات با زبان ترکی و ادبیات با هویت فرهنگی و جغرافیایی آذربایجانی تمایز قائل شویم. دده قورقود قطعاً بخشی از ادبیات ترکی (اوغوز) است، اما نه لزوماً ادبیات بومی و طبیعی آذربایجان.

همانطور که اشاره شد، شاهنامه فردوسی، با اینکه به زبان فارسی است، به دلیل ارتباطات فرهنگی و تاریخی هزارساله، به طور کامل در بافت فرهنگی آذربایجان جذب شده و به عنوان یک حماسه «طبیعی» پذیرفته شده است. اما این فرایند جذب و همضم فرهنگی، برای دده قورقود در طول تاریخ، هرگز رخ نداده است.

روایت داستانی زندگی مادر امیرالمؤمنین (ع) منتشر شد



کتاب، می‌تواند به کتابفروشی‌های مستقر در حرم‌مطهر کریمه اهلبیت سلام‌الله‌علیها یا کتابفروشی های معتبر کشور و برای خرید به صورت مجازی به فروشگاه مجازی محصولات فاطمی به نشانی اینترنتی mahsulatfatemi.ir مراجعه کنند

و شخصیت والای حضرت فاطمه بنت اسد سلام‌الله‌علیها، مادر امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام می‌پردازد و با بهره‌گیری از حدود سیصد منبع تاریخی شیعه و اهل سنت، تصویری روشن و هنرمندانه از زندگی این بانوی بزرگ ارائه می‌دهد.

نویسنده در این کتاب تلاش کرده است با زبانی روان و بیانی ادبی، روایت زندگی حضرت فاطمه بنت اسد(س) را برای مخاطبان بازگو کند و از خلال داستان، ارزش‌های والای نهفته در سیره ایشان را به تصویر بکشد. علاقه‌مندان برای تهیه این

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب کتاب «لباء» در قالب روایتی داستانی به بازآفرینی زندگی و شخصیت والای حضرت فاطمه بنت اسد سلام‌الله‌علیها، مادر امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌پردازد. کتاب رمان تاریخی-مذهبی «لباء» اثر طیبه مهدی زاده در ۲۶۰ صفحه قطع رقعی به همت مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری آستان مقدس حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها؛ تولید و توسط انتشارات زائر آستان مقدس در اختیار علاقمندان قرار گرفت. کتاب «لباء» در قالب روایتی داستانی به بازآفرینی زندگی

داستان «موشک گمشده باقرآباد» برای نوجوانان منتشر شد



و «رادبو ترانزیستوری» نوشته داریوش عابدی، دو کتاب دیگر این مجموعه، تاکنون منتشر شده و چهار عنوان دیگر با عنوان‌های «تاب‌بازی در آسمان» نوشته منیره هاشمی، «کوچه‌های شلوغ» نوشته مهناز فتاحی، «این

می‌شود که مثل گلوله آتشین بزرگی از طرف پلایشگاه به آسمان باقرآباد نزدیک شد.

عده‌ای با انگشت به یکدیگر نشانش دادند و بی‌اختیار فریاد زدند: «موشک! موشک...! او‌ناهاش! ای وای! خدایا، خودت رحم کن!» و داستان فرود این موشک ماجراهایی را برای او و اهالی محل به وجود آورده است. کتاب «موشک گمشده باقرآباد» یکی از کتاب‌های مجموعه‌ای است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تازگی انتشار آن را با عنوان «در جنگ چه گذشت» با دبیری مژگان باهرندی آغاز کرده است.

این مجموعه که تاکنون سه اثر آن از سوی کانون منتشر شده شامل داستان‌هایی کوتاه از دفعه مقدس هشت‌ساله مردم ایران در برابر تجاوز وحشیانه رژیم بعثی عراق است. «روز حمله گرگ» نوشته یوسف قوجق

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب «موشک گمشده باقرآباد» داستان موشک عمل‌نکرده‌ای است که در جریان دفاع هشت ساله مردم ایران بر باقرآباد فرود می‌آید و مردم محل را به جست‌وجو برای یافتن این پرتابه دشمن وامی‌دارد.

این داستان را انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب یک کتاب ۳۲ صفحه‌ای به قلم حبیب یوسف‌زاده برای نوجوانان ۱۵ سال به‌بالا منتشر کرده است.

آقا رجبعلی قهرمان این داستان طنزآمیز، مرزعه‌ای دارد که در آن کلدو و کاهو و تریچه کاشته است و روزها هم با چرخ‌دستی‌اش به جان کوجه‌های محله می‌افتد و اسباب‌وآلاتیبه کهنه جمع‌آوری و خرید و فروش می‌کند. ناگهان نگاه‌ها به شیشی نورانی دوخته

خبر

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور عنوان کرد؛

محرومیت زدایی فرهنگی، مهمترین هدف نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور



بلکه به کانون‌های یادگیری، تعامل فرهنگی و گفت‌وگو تبدیل شده‌اند. در این راستا طراحی و بهسازی فضاهای فیزیکی کتابخانه‌ها برای استفاده مؤثرتر و کارآمدتر از منابع و امکانات در دستور کار قرار دارد.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره به رویکرد «کتابخانه برای همه» گفت: تلاش کرده‌ایم مفهوم کتابخانه را فراتر از سن، تحصیلات و مذهب تعریف کنیم تا همه اقشار جامعه بتوانند از خدمات فرهنگی، آموزشی و دانشی آن بهره‌مند شوند.

نظربلند ادامه داد: توجه ویژه به کودکان و نوجوانان، تمرکز بر فضای دیجیتال و فعالیت‌های دایمی محور از دیگر جهت‌گیری‌های اصلی نهاد در دهه جدید است. همان‌گونه که در جذب کودکان موفق بوده‌ایم، امیدواریم در جذب نوجوانان و خانواده‌ها نیز دستاوردهای قابل توجهی داشته باشیم.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افزود: بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار عضو فعال در کتابخانه‌های عمومی کشور حضور دارند و هفت هزار و ۵۰۰ کتابدار در خط مقدم ترویج فرهنگ کتابخوانی فعالیت می‌کنند، همچنین ۶۲ بخش ویژه برای کم‌بینان و ۳۰ مرکز خدماتی برای ناشنویان در کتابخانه‌ها راه‌اندازی شده است.

نظربلند با اشاره به همکاری نهاد با دستگاه‌ها و رسانه‌ها خاطر نشان کرد: «بازتعریف ارتباط با نهادها، سازمان‌ها و رسانه‌ها» از اولویت‌های ماست تا بتوانیم با استفاده از ظرفیت‌های گسترده موجود، نقش مؤثرتری در ارتقای فرهنگ

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره عضویت بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در کتابخانه‌های عمومی کشور، محرومیت زدایی فرهنگی، هدف مهم نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در ماه‌های اخیر دانست.

آزاده نظربلند، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در نشست خبری روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار، که در محل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد، گفت: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار عضو، در خط مقدم فرهنگ کشور قرار دارد.

وی درباره اقدامات این نهاد در بازه ۱۰ ماهه مدیریت خود، اظهار داشت: محرومیت زدایی فرهنگی بخش مهم و یکی از برنامه‌های بنیادین این نهاد در ماه‌های اخیر بوده است که با استفاده از کتابخانه‌های سیار، ارسال پستی و اقدام جدیدی که پیک کتاب نام دارد در حال پیگیری است.

نظربلند با بیان این که نهاد کتابخانه‌ها در آستانه ورود به دهه سوم فعالیت خود، با رویکردی نو به سمت بازآفرینی نقش کتابخانه‌ها حرکت کرده و اکنون کتابخانه‌ها مراکز فعال فرهنگی و اجتماعی هستند، بیان کرد: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در حال حاضر در چهار هزار و ۲۲۹ نقطه خدمت در سراسر ایران فعالیت دارد و این نقاط شامل دو هزار و ۷۴۱ کتابخانه شهری، ۸۰۰ کتابخانه روستایی و دهه کتابخانه در حال احداث است.

وی افزود: کتابخانه‌ها دیگر تنها محل امانت کتاب نیستند،

روایتی از بحرانی‌ترین دقایق یک ملت؛

قطعه‌نامه «۵۹۸» سینمایی می‌شود

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

مهدی مددکار تهیه‌کننده فیلم «شمال از جنوب غربی»، سراغ اثر تازه‌ای درباره قطعه‌نامه «۵۹۸» رفته و با نگاهی متفاوت به تصمیم تاریخی پایان جنگ تحمیلی می‌پردازد.

مهدی مددکار تهیه‌کننده سینما درباره فیلم جدید خود با موضوع قطعه‌نامه «۵۹۸» بیان کرد: در حالی که بیش از سه دهه از پایان دفاع مقدس گذشته، بخش دیپلماتیک و انسانی جنگ تحمیلی، کمتر در زبان سینما بازتاب یافته است به همین دلیل سراغ پرونده‌ای مسکوت در تاریخ معاصر ایران رفته ایم.

وی اضافه کرد: «۵۹۸» تلاشی است برای بازخوانی لحظه‌ای سرنوشت‌ساز که در آن، تصمیم به پذیرش نیز در امتداد حماسه معنا پیدا می‌کند. لحظه‌ای که در تاریخ رسمی، تنها با چند جمله ثبت شده اما در دل خود، بحرانی‌ترین ساعات سیاست، ایمان و سرنوشت یک ملت را پنهان دارد. تهیه‌کننده «شمال از جنوب غربی» در پایان عنوان کرد: این پروژه با هدف نمایش عقلاقت، تدبیر و انسانیت ملت ایران در بحرانی‌ترین مقطع تاریخ معاصر، در مرحله پژوهش و نگارش فیلمنامه قرار دارد. پروژه‌ای که شاید بتواند یکی از غیرمنتظره‌ترین روایت‌های سینمای ایران در سال‌های اخیر باشد.

مهدی مددکار در جشنواره فیلم فجر ۴۳ تهیه‌کننده فیلم «شمال از جنوب غربی» بود که در ۱۳ رشته از جمله بهترین فیلمنامه، بهترین فیلم و بهترین موسیقی نامزد دریافت سیزده سیمرغ بلورین از چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر شد و جایزه سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین فیلمبرداری را دریافت کرد.

عمومی و تقویت جایگاه کتاب و مطالعه در جامعه ایفا کنیم.

وی با اشاره به بازطراحی ۴۰ کتابخانه در ۱۲ استان طی سال‌های اخیر در سراسر کشور بیان کرد: تعامل بین‌المللی نهاد کتابخانه‌های عمومی با کتاب‌های بی‌روز و مطرح دنیا به‌عنوان یک رویکرد جدید دنبال می‌شود. از سوی دیگر ناوگان سیار کتابخانه‌های عمومی نیز توسعه یافته‌است و در حال حاضر ۶۴ کتابخانه سیار داریم که ۵۰۰ نقطه را پوشش می‌دهند و طی ۱۰ ماه گذشته ۱۰ کتابخانه سیار به تعداد کتابخانه‌های ما اضافه شده است و ۸ کتابخانه در دست اضافه شدن است. ما در فعالیت‌های جدید فقط کتابخانه‌های و ساختمان افتتاح

شناسه آگهی: ۲۰۴۳۴۹۰

روزنامه طرح نو

استاد و املاک مصوب سالهای ۶۵،۷۰ مجلس شورای اسلامی تعیین حدود پلاک مرقوم روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد. بدینوسیله به مالکین و مجاورین اخطار می‌شود در موعد مقرر در محل وقوع ملک حاضر تا طبق مقررات نسبت به تعیین حدود پلاک موصوف اقدام شود و اشخاصی که نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی ملک اعتراض دارند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی برابر ماده ۲۰ به مدت یکماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید دریافت دارند و ظرف ۳۰ روز از تاریخ

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

روز انتشار آگهی: دو شنبه

حسن تریانی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۶۵۲

روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۰۱۰۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۸۰۲۷ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم سمیه احمدزاده علی شاه فرزند نادر بشماره شناسنامه ۱۷۹۷۱۹ صادره از در شناساندگی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۹،۴۰ متر مربع فرورز و مجزا شده از پلاک ۲۹- اصلی واقع در سپس

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شناسه آگهی: ۲۰۲۴۸۶۲

روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۰۱۶۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۷۸۹۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/آقای مراد افشارمقدم فرزند جلال بشماره شناسنامه ۴۶۰ صادره از تبریز در شناساندگی یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۷۴،۱۶ متر مربع قسمتی از

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۶۶۱

روزنامه طرح نو

بخش ۱۶ تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شناسه آگهی: ۲۰۲۴۸۵۶

روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۰۱۶۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۷۸۹۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/آقای مراد افشارمقدم فرزند جلال بشماره شناسنامه ۴۶۰ صادره از تبریز در شناساندگی یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۷۴،۱۶ متر مربع قسمتی از

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات

شماره ۲۰۰۴۰۹۰۸۷۳۰۰۰۰۰۳ - مرحله اول (نوبت اول)

شهرداری زرنق در نظر دارد با استناد مجوز شماره ۳۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ شورای محترم اسلامی شهر زرنق، املاک و مستغلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات دولت (www.setadiran.ir) با شماره مزایده ۲۰۰۴۰۹۰۸۷۳۰۰۰۰۰۳ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ بازدید: از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ تا ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ تا ساعت ۱۴

مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ تا ساعت ۱۴

تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۰

تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ ساعت ۱۰

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۴۳۷۴۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

مفقودی روزنامه طرح نو

برگ سبز خودروی سواری سیستم: پژو تیپ: پارس مدل: ۱۳۸۶ شماره پلاک: ۴۹۸ ی ۵۴ ایران ۱۵ شماره موتور: ۱۴۴۸۵۲۴۹۹۹۹ شماره شاسی: ۵۰۳۴۱۲۳/۵۰۳ مالک: آقای ابوالفضل پوررضا مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۲۴۰۶۱

روزنامه طرح نو

واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر محرز گردیده است.. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

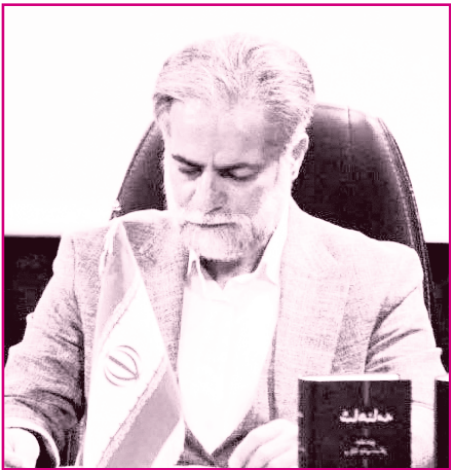
صمد خاکپور اقدام
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شهرداری زرنق

گزارش

نگاهی به تاریخچه کریدور ایران در شمال غرب کشور

مطالعه موردی دوره افشاریه



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی.

بخش دوم و پایانی…

تبریز: مرکز سیاسی و اقتصادی شمال غرب

تبریز در دوره افشاریه به‌عنوان مهم‌ترین مرکز اداری، نظامی و تجاری شمال‌غرب ایران عمل می‌کرد و موقعیتی ممتاز در شبکه ارتباطی و لجستیکی دولت نادری داشت. منابع تاریخی نشان می‌دهند که این شهر، هم محل استقرار نهادهای حکومتی و فرماندهی‌های نظامی و هم نقطه اصلی تمرکز کاروان‌ها و بازارهای گسترده منطقه.

ترکیب کارکردهای سیاسی، نظامی و اقتصادی در تبریز، آن را به مرکز نقل مدیریت مسیره‌های شمال‌غرب بدل کرده بود. وجود دیوان‌خانه، مأموران حکومتی و نیروهای نظامی امکان کنترل دقیق جریان کالا، رفت‌وآمد کاروان‌ها و تنظیم امنیت مسیر را فراهم می‌ساخت.

از نظر اقتصادی نیز تبریز یکی از بزرگ‌ترین بازارهای منطقه بود؛ شهری که کالاهای وارداتی از قفقاز، آناتولی و روسیه در آن متمرکز می‌شد و سپس از طریق شبکه کاروانی به شهرهای مرکزی ایران منتقل می‌گردید. بازارها، تیمچه‌ها و مراکز تجاری این شهر نقش محوری در جمع‌آوری مالیات، گمرک، محاسبه حقوق عبور و تأمین منابع مالی دولت افشاری داشتند. این کارکرد اقتصادی در کنار نقش نظامی تبریز موجب ایجاد هماهنگی میان نیازهای لشکر نادرشاه و فعالیت‌های تجاری شد و همین امر تبریز را به مرکز اصلی پشتیبانی و سازمان‌دهی لشکرکشی‌های قفقاز بدل کرد.

ایران: گره لجستیکی و نظامی مسیر قفقاز

ایران، دروازه جنوبی قفقاز و یکی از حساس‌ترین گره‌های مسیر شمال‌غرب محسوب می‌شد. این شهر موقعیتی داشت که بخش عمده رفت‌وآمد نظامی و تجاری به قفقاز جنوبی از طریق آن صورت می‌گرفت. به همین دلیل، منابع تاریخی از ایران به‌عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی تأمین نیرو، تجهیزات و منابع طبیعی – به‌ویژه آب و مراتع مورد نیاز اسب‌های لشکر – یاد کرده‌اند. نقش لجستیکی ایران بسیار فراتر از ذخیره منابع بود؛ این شهر نقطه‌ای برای نظارت، بازرایی و سازمان‌دهی کاروان‌های نظامی به‌شمار می‌آمد و امکان انتقال هماهنگ تجهیزات و آذوقه به واحدهای مستقر در جبهه‌های قفقاز را فراهم می‌ساخت. از نظر اقتصادی نیز ایران نقطه کلیدی در نظارت بر تجارت بین‌المللی بود؛ کالاهای وارداتی از قفقاز و روسیه در این شهر ارزیابی، ثبت و به مسیره‌های داخلی ایران منتقل می‌شدند. همین نقش دوگانه – نظامی و اقتصادی – باعث می‌شد ایران حلقه اتصال میان اقتصاد منطقه‌ای و سیاست نظامی دولت افشاری باشد.

شکل: کنترل مسیره‌های فرعی و بازارها

شکی، در شمال‌غربی‌ترین بخش مسیر، گرایی بود که اهمیت آن بیشتر به مدیریت مسیره‌های فرعی و ارتباط با بازارهای محلی بازمی‌گشت. قرارگیری در مسیره‌های دامنه‌ای و روستایی سبب شده بود شکی به نقطه‌ای تبدیل شود که بخش مهمی از منابع غذایی، دام، اسب، علوفه و مواد اولیه مورد نیاز لشکرها از آن تأمین شود.

مسیره‌های فرعی منشعب از شکی نه تنها دسترسی به منابع طبیعی را امکان‌پذیر می‌کردند، بلکه در عمل شبکه‌ای از روستاها و مراکز محلی را به کریدور اصلی متصل می‌ساختند. این اتصال، جریان کالا و تبادل محلی را تقویت کرده و نقش مهمی در پایداری مسیر داشت.

اهمیت شکی صرفاً اقتصادی نبود؛ حضور نیروهای نظامی و ایجاد ایستگاه‌ها و پاسگاه‌های کوچک امنیتی در اطراف این گره موجب می‌شد که امنیت مسیره‌های فرعی تضمین شود. در نتیجه، شکی نقش مکملی در تقویت امنیت کل کریدور ایفا می‌کرد و به‌عنوان نقطه‌های واسط بین مناطق کوهستانی و مسیر اصلی شناخته می‌شد.

نخجوان: نقطه مرزی و مدیریت روابط با همسایگان

نخجوان به‌عنوان یکی از گره‌های مرزی شمال‌غرب، نقشی تعیین‌کننده در کنترل رفت‌وآمد میان ایران و قفقاز جنوبی داشت. این شهر محل استقرار نیروهای نظامی، مأموران گمرکی و واحدهای اداری بود و همین امر آن را به یکی از مراکز اصلی نظارت بر عبور کاروان‌های تجاری و نظامی تبدیل کرده بود.

نخجوان علاوه بر کارکرد امنیتی، پایگاه مهمی برای سازمان‌دهی حرکت نیروها و فراهم‌سازی پشتیبانی لجستیکی در لشکرکشی‌های نادرشاه به قفقاز محسوب می‌شد. قرار گرفتن این شهر در مسیره‌های مرزی امکان تعامل و مدیریت روابط با مناطق شمالی را فراهم می‌کرد و از نظر دولت افشاری، نخجوان نه تنها مسیر عبور، بلکه ابزار کنترل ژئوپلیتیکی بر مناطق همجوار بود. از نظر اقتصادی نیز این گره در مسیر صادرات و واردات کالا میان ایران و قفقاز نقش مینجایی داشته و نقطه عبوری کالاهای استراتژیک بود. در نتیجه، نخجوان نقش مضاعفی در امنیت مرزی و پایداری جریان اقتصادی کریدور ایفا می‌کرد.

گزارش

می‌کردند و گزارش‌های آنان درباره خطرات، وضعیت مسیر، شرایط جوی و امنیت، بخشی از مدیریت عملیاتی مسیر را تشکیل می‌داد.

این مراکز تولیدی در عمل شبکه اقتصادی – اجتماعی پایداری را شکل می‌دادند که بدون آن، مسیر توان حفظ امنیت و کارایی خود را از دست می‌داد.

۲- زیرساخت‌های انسانی و مهندسی

پل‌ها و گذرگاه‌ها: در نواحی کوهستانی شمال‌غرب، گذرگاه‌ها و پل‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم حرکت داشتند. گذر از رودخانه‌ها و دره‌ها بدون پل، حرکت را کند و پرخطر می‌کرد و احتمال از دست رفتن تجهیزات و احشام بالا می‌رفت. بنابراین، پل‌ها علاوه بر نقش فنی، نقش امنیتی و اقتصادی نیز داشتند. این پل‌ها معمولاً در نقاطی ساخته می‌شدند که هم از نظر ارتفاع و جریان آب مناسب باشد و هم به ایستگاه‌های کاروانی نزدیک. وجود یک پل مطمئن به این معنا بود که کاروان‌ها و لشکرها می‌توانستند زمان حرکت خود را دقیق‌تر تنظیم کنند. در بسیاری از نقاط، پل‌ها به‌عنوان «گره‌های کنترل مسیر» نیز عمل می‌کردند؛ زیرا هرگونه فعالیت تجاری یا نظامی ناگزیر از عبور از آن‌ها بود. به همین دلیل، نگهداری پل‌ها نه تنها یک ضرورت مهندسی، بلکه وظیفه‌ای امنیتی به‌شمار می‌رفت.

در مناطق کوهستانی، گذرگاه‌های سنگ‌چین‌شده یا مسیره‌های کنده‌شده در صخره‌ها نیز وجود داشتند که امکان عبور ستون‌های نظامی را فراهم می‌کردند. این گذرگاه‌ها حاصل تجربه طولانی‌مدت و آگاهی دقیق از رفتار جغرافیای بود و بخش مهمی از مدیریت مسیر را تشکیل می‌داد.

ایستگاه‌های کاروانی و مراکز ذخیره‌سازی: ایستگاه‌های کاروانی، مرکز تنظیم حرکت کاروان‌ها و لشکرها بودند. این ایستگاه‌ها معمولاً شامل انبارهای غذا، علوفه، آب، آذوقه و تجهیزات سبک بودند و امکان می‌دادند که گروه‌های مختلف، بدون اختلال در مسیر، زمان توقف و حرکت خود را تنظیم کنند.

از دید نظامی، این ایستگاه‌ها محل سازماندهی حرکت نیروها و هماهنگی واحدها بودند. از آنجا که سرعت حرکت واحدهای نظامی مختلف یکسان نبود، وجود این ایستگاه‌ها نظم عملیاتی ارتش را برقرار می‌کرد. به علاوه، بخشی از تجهیزات سنگین یا مازاد نیز در این نقاط ذخیره می‌شد تا حرکت اصلی سبک‌تر و سریع‌تر باشد.

این مراکز معمولاً در نقاطی قرار می‌گرفتند که مسیره‌های فرعی به مسیر اصلی متصل می‌شدند، یا در نزدیکی آب و مراتع بودند؛ یعنی دقیقاً در همان نقاطی که از نظر طبیعی امکان تغذیه نیروها و حیوانات وجود داشت.

راه‌ها و مسیره‌های فرعی: شبکه راه‌ها با دقتی استراتژیک طراحی شده بود تا حرکت همزمان نیروهای نظامی و کاروان‌های تجاری ممکن شود. بدون آنکه یکی مزاحم دیگری گردد. مسیره‌ها بر اساس سه اصل ساخته و نگهداری می‌شدند:

۱- دسترسی به منابع آب
۲- نزدیکی به مراتع و مراکز تولید
۳- امکان کنترل امنیتی مسیر.

وجود آب، اجازه می‌داد که لشکرها بدون نیاز به حمل حجم سنگین آب، مسیره‌های دشوار را پشت سر بگذارند. این موضوع نه فقط سرعت حرکت را افزایش می‌داد، بلکه ظرفیت عملیاتی ارتش را نیز بالا می‌برد؛ زیرا بخش عمده توان حیوانات بارکش به این ترتیب، کریدور از حالت یک مسیر خطی خارج شده و به یک «شبکه» راهبردی» تبدیل شده بود که گره‌های آن قابلیت پشتیبانی متقابل داشتند.

همچنین، در مناطقی که منابع آب نزدیک مسیر قرار داشتند، امنیت کاروان‌ها بیشتر بود؛ زیرا حرکت گروه‌ها کمتر ناگزیر به توقف‌های طولانی، خروج از مسیر اصلی یا ورود به مناطق کم‌دفاع می‌شد. بنابراین آب، به‌عنوان عامل تعیین‌کننده پایداری مسیر، یکی از ارکان اصلی طراحی و نگهداری کریدور محسوب می‌شد.

مراتع و منابع خوراکی: مراتع طبیعی کریدور شمال‌غرب از دشت‌های آذربایجان تا نواحی میان‌کوهی قفقاز، یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه بود. این مراتع، نه تنها خوراک اسب‌ها و احشام کاروان‌ها را تأمین می‌کردند، بلکه امکان می‌داد حرکت ارتش بدون نیاز به کاروان‌های علوفه سنگین انجام شود.

چنین قابلیتی، اصل اساسی تاکتیک نادرشاه یعنی «تحرك سریع» را ممکن می‌ساخت.

مراتع نواحی شکی، قره‌داغ، اطراف تبریز و نقاط میانی مسیر، به‌ویژه در فصول گرم و زمان‌هایی که حرکت لشکرها بیشتر بود، نقش پشتیبان میانی داشتند. در بسیاری موارد، انتخاب محل استقرار موقت نیروها بر اساس نزدیکی به همین مراتع صورت می‌گرفت. نکته مهم دیگر این بود که وجود مراتع، انعطاف‌پذیری مسیر را افزایش می‌داد. اگر بخشی از مسیر دچار کمبود منابع می‌شد، امکان تغییر مسیر کوتاه‌مدت به نواحی مجاور وجود داشت، بدون اینکه لشکرها از برنامه زمانی خود عقب بمانند.

بدین ترتیب، مراتع فقط منبع خوراک نبودند؛ بلکه بخشی از ساختار استراتژیک مسیر محسوب می‌شدند و به مدیریت بهتر امنیت و سرعت کمک می‌کردند.

مکان‌های تولید محلی: روستاها و نقاط تولیدی واقع در مسیر یا نزدیک مسیره‌های فرعی، نقش حیاتی در تأمین مداوم آذوقه، ابزار و تجهیزات داشتند. این مراکز تولید محلی به منزله «جایگاه‌های پیونددهنده» میان اقتصاد محلی و شبکه اصلی مسیر بودند. آنان امکان می‌دادند که حتی در شرایط سخت، جریان کالا و نیازهای اولیه کاروان‌ها و ارتش قطع نشود.

این نقاط، علاوه بر تأمین غذا، ابزارهای مانند طناب، نعل اسب، زغال چوب، پوست برای دوخت و اقلام مورد نیاز تعمیرات را فراهم می‌کردند. چنین تولیداتی معمولاً به‌صورت محلی و سریع تهیه می‌شد و از اتکا به منابع دوردست جلوگیری می‌کرد. هم‌زمان، جوامع محلی به‌عنوان نیروهای دیده‌بان طبیعی عمل

دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۳۹

۶

یکپارچه منابع طبیعی و زیرساخت‌های انسانی، باعث شد که کریدور شمال‌غرب ایران در دوره افشاریه به یک مسیر امن، کارآمد و پایدار برای حرکت لشکرها و جریان تجارت داخلی و بین‌المللی تبدیل شود. این تعامل و هماهنگی، یکی از نقاط قوت مدیریتی نادرشاه و دولت افشاری بود که امکان بهره‌برداری همزمان از ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی مسیره‌ها را فراهم آورد.

جمع‌بندی و تحلیل پایانی

تحلیل ساختار مسیره‌ها و گره‌های کریدور شمال‌غرب ایران در دوره افشاریه نشان می‌دهد که این کریدور، کارکردی بسیار فراتر از یک مسیر ساده ارتباطی داشته و در واقع یک سامانه یکپارچه اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی را شکل داده‌بود. این سامانه، بر مبنای هماهنگی میان منابع طبیعی، زیرساخت‌های انسانی و طراحی ژئوپلیتیکی مسیره‌ها عمل می‌کرد و توانست نیازهای هم‌زمان لجستیکی، امنیتی و اقتصادی دولت افشاری را تأمین کند. چنین ساختاری، ظرفیتی آن را داشت که حرکت لشکرها، جریان تجارت و کنترل مسیر‌های ارتباطی را در بالاترین سطح کارآمدی تضمین نماید.

یکپارچگی مسیره‌ها و گره‌ها

مسیر اصلی کریدور که از تهران امروزی به زنجان، تبریز، ایروان، شکی و نخجوان امتداد می‌یافت، همراه با شاخه‌های متعدد محلی، شبکه‌ای چندلایه ایجاد می‌کرد که امکان دسترسی مستقیم به روستاها، مراکز تولید محلی، مراتع و ایستگاه‌های استراحت را فراهم می‌آورد. گره‌های اصلی مسیر، به‌ویژه تبریز، ایروان، شکی و نخجوان، نقش‌هایی فراتر از یک مرکز توقف یا عبور داشتند. این نقاط، محل کنترل عبور نیروها و کاروان‌ها، مراکز جمع‌آوری مالیات، تنظیم جریان منابع و استقرار نیروهای حفاظتی بودند و به‌عنوان هسته‌های مدیریتی کریدور عمل می‌کردند. به این ترتیب، گره‌ها حلقه اتصال میان مسیر اصلی و شاخه‌های فرعی بوده و توازن میان امنیت مسیر و جریان اقتصادی را برقرار می‌کردند.

منابع طبیعی و زیرساخت‌ها

منابع طبیعی – از جمله رودخانه‌ها، چشمه‌ها، مراتع و مراکز تولید غذایی محلی – پایه زیست‌محیطی و لجستیکی شبکه را شکل می‌دادند. این منابع، امکان تأمین آب و خوراک برای انسان، اسب‌ها و احشام را فراهم می‌کردند و به‌طور مستقیم در استمرار حرکت لشکرها و کاروان‌ها نقش داشتند. در کنار این منابع، زیرساخت‌های انسانی مانند پل‌ها، گذرگاه‌های مهندسی‌شده، ایستگاه‌های کاروانی و مراکز ذخیره‌سازی، ستون دوم شبکه را تشکیل می‌دادند. این زیرساخت‌ها، مسیر را از نظر عبور و مرور امن می‌کردند و امکان سازمان‌دهی پشتیبانی لجستیکی را فراهم می‌آوردند. هماهنگی میان منابع طبیعی و زیرساخت‌ها باعث می‌شد که مسیره‌ها از لحاظ اقتصادی پایدار و از نظر امنیتی قابل اتکا باشند.

جریان اقتصادی و نقش نظامی

تحلیل جریان اقتصادی و مسیره‌های فرعی نشان می‌دهد که شبکه شمال‌غرب ایران به‌گونه‌ای طراحی شده بود که انتقال کالا، دادوستد داخلی و خارجی و تأمین اولیه به‌طور مستمر انجام گیرد. در عین حال، همین مسیره‌ها برای حرکت نیروهای نظامی نیز به کار گرفته می‌شدند و قابلیت استقرار و جابه‌جایی سریع لشکرها را فراهم می‌کردند. این دو کارکرد، در نهایت یکدیگر را تقویت می‌کردند: تجارت و رونق اقتصادی منابع مالی لازم برای تأمین امنیت و نگهداری مسیره‌ها را فراهم می‌کرد و امنیت مسیر باعث افزایش اعتماد تجار و استمرار جریان کالا می‌شد. چنین هم‌زمانی میان کارکرد اقتصادی و نظامی، نشانه‌ای از مدیریت هوشمندانه نادرشاه و توانایی او در بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی مسیر بود.

تعامل امنیت و رونق اقتصادی

یکی از ویژگی‌های برجسته این کریدور، تعامل پایدار میان امنیت و اقتصاد بود. هرچه امنیت مسیره‌ها بیشتر می‌شد، کاروان‌های تجاری با ریسک کمتر در مسیره‌های طولانی رفت‌وآمد می‌کردند و جریان تجارت منطقه‌ای تقویت می‌شد. در مقابل، رونق اقتصادی حاصل از این رفت‌وآمدها، منابع مالی لازم برای حفاظت از مسیر، استقرار نیروهای نظامی و تعمیر زیرساخت‌ها را تأمین می‌کرد. بدین ترتیب، امنیت و اقتصاد نه‌تنها در کنار یکدیگر، بلکه در تعامل مداوم و تقویت‌کننده یکدیگر عمل می‌کردند. این سازوکار یکی از ارکان استراتژیک قدرت دولت افشاری در شمال‌غرب ایران به‌شمار می‌رفت.

طراحی مسیره‌ها و تحلیل ژئوپلیتیکی

طراحی مسیره‌ها نشان‌دهنده شناخت دقیق دولت افشاری از شرایط جغرافیایی و راهبردی منطقه بود. قرارگیری پل‌ها، ایستگاه‌ها و مراکز ذخیره‌سازی در مجاورت منابع آب، مراتع و گره‌های کلیدی، شبکه مسیر را از نظر امنیتی پایدار و از نظر اقتصادی پربازده می‌کرد. این طراحی، علاوه بر کارکرد اقتصادی، به مسیره‌ها جنبه‌ای ژئوپلیتیکی می‌بخشید؛ بدین معنا که امکان کنترل جریان کالا و مدیریت تحرک نیروهای نظامی و مداخله سریع در مناطق حساس را فراهم می‌کرد. چنین ویژگی‌هایی سبب شد کریدور شمال‌غرب ایران در دوره افشاریه نه‌تنها مسیر ارتباطی، بلکه یک محور ژئوپلیتیکی با نقش حاکمیتی و نظامی گسترده باشد.

جدول تفصیلی: نقش عناصر مختلف در کریدور شمال‌غرب ایران
در مجموع، کریدور شمال‌غرب ایران در دوره افشاریه یک شبکه پیچیده و هماهنگ بود که با اتکا بر منابع طبیعی، زیرساخت‌های

عنصر	نقش در مسیر	اثر مثبت	اثر منفی
منابع طبیعی (آب، مراتع، علوفه)	تأمین آب و غذا، کاهش وزن	افزایش سرعت و تحمل	کمبود منابع در مناطق کوهستانی
زیرساخت‌های انسانی (پل‌ها، گذرگاه‌ها)	تسهیل عبور و تردد	کاهش زمان توقف	هزینه‌های بالای ساخت و نگهداری
ایستگاه‌های کاروانی	تأمین امنیت و استراحت	تجدد انرژی و تجهیزات	خطر حمله به مراکز متمرکز
مراکز تولید محلی	تأمین اقلام ضروری	کاهش وابستگی به مراکز اصلی	عدم تنوع تولیدات
جریان‌های تجاری	تأمین مالیات و منابع	تعمیر زیرساخت‌ها	خطر اختلال در امنیت
نقشه‌های نظامی	کنترل مسیر و نظارت	پایداری در شرایط دشوار	عدم انعطاف در برابر تغییرات
تعمیرات و نگهداری	حفاظت از زیرساخت‌ها	پایداری در بلندمدت	هزینه‌های بالا
تعمیرات و نگهداری	حفاظت از زیرساخت‌ها	پایداری در بلندمدت	هزینه‌های بالا

انسانی و طراحی ژئوپلیتیکی مسیره‌ها، توانست نیازهای اقتصادی و نظامی دولت را به شکل هم‌زمان و پایدار تأمین کند. این کریدور نمونه‌ای روشن از هم‌پوشانی امنیت، اقتصاد و برنامه‌ریزی استراتژیک در تاریخ ایران است و مطالعه آن، زمینه‌ای برای درک عمیق‌تر سازوکارهای قدرت، اقتصاد و تحرک نظامی در ساختار دولت افشاری فراهم می‌آورد.

زمین خشک، امید سبز؛ روایت برداشت ۸۳۲ تن کنجد در شمال آذربایجان غربی

طرح نو؛ گروه خبر
سرپرست معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی گفت: سطح زیرکشت کنجد در استان در سال زراعی جاری به ۶۵۰ هکتار رسیده و بیش از ۸۳۲ تن از این محصول استراتژیک و مقاوم به خشکی از مزارع استان برداشت شده است.
حکمت جعفریافزود: هر چند کنجد گیاهی گرمسیری محسوب می‌شود، اما شهرستان پلدشت به دلیل شرایط آب‌وهوایی مناسب، به‌عنوان قطب اصلی تولید کنجد در منطقه شناخته می‌شود و این محصول در آنجا به‌عنوان یکی از زراعت‌های اصلی و کشت بهاره توسعه یافته است.
وی اظهار کرد: در مزارع استان از ارقام محلی و رقم «اولتان» استفاده می‌شود که به‌دلیل مقاومت بالا به خشکی و سازگاری با خاک‌های مختلف، در اراضی آذربایجان غربی کشت می‌شود.

سرپرست معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان با اشاره به تنوع اقلیمی استان گفت: میانگین عملکرد تولید کنجد در مزارع استان یک‌هزار و ۲۸۰ کیلوگرم در هر هکتار است که نشان‌دهنده پایداری تولید این دانه روغنی در شرایط اقلیمی سخت و کم‌آب منطقه است.
جعفری افزود: این محصول علاوه بر تولید روغن باکیفیت، در صنایع غذایی از جمله نان‌های، شیرینی‌پزی و روغن‌کشی کاربرد گسترده‌ای دارد و نقش مهمی در تأمین مواد اولیه صنایع وابسته ایفا می‌کند. سرپرست معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان خاطر نشان کرد: تنوع اقلیمی از جلگه‌های نیمه‌خشک تا مناطق کوهستانی سرد سبب شده تقریباً همه انواع کشت از غلات تا محصولات باغی و دانه‌های روغنی در این استان قابل انجام باشد.
وی پایین بودن ضرب مکانیزاسیون در برداشت را از

مهم‌ترین چالش‌های توسعه این محصول دانست و گفت: برنامه‌ریزی برای تأمین ادوات ویژه برداشت و افزایش آموزش‌های ترویجی در دستور کار جهاد کشاورزی قرار دارد تا بهره‌وری مزارع و سودآوری کشاورزان افزایش یابد.
جعفری اضافه کرد: آذربایجان غربی یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سیب، انگور، و گردو در کشور است. این استان با بیش از ۱۲۰ هزار هکتار باغ بخش اعظمی از میوه به ویژه سیب درختی کشور را تأمین می‌کند.
آذربایجان غربی با ۸۴۰ هزار هکتار زمین زراعی این روزها به‌دلیل بحران کم‌آبی و وضعیت دریاچه ارومیه مورد توجه قرار گرفته است. کارشناسان، کشت محصولات مقاوم به خشکسالی را به‌عنوان مهم‌ترین راهکار در این اقلیم سخت پیشنهاد کرده‌اند و کنجد در این شرایط کم‌آب به نمادی برای ترویج کشاورزی مقاوم به خشکی تبدیل شده است.

رودخانه‌های ارس، زولا، گدار، زاب و شهرچای از مهم‌ترین منابع آبی استان به شمار می‌روند اما کاهش بارندگی و افت سطح آب دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر کشاورزی استان را به سمت محصولات کم‌آب‌بر سوق داده است. گندم و چغندر قند همچنان در رتبه اول سطح زیرکشت استان قرار دارند، سالانه بیش از ۴۰۰ هزار هکتار از زمین‌ها به این محصولات اختصاص دارد و تولید چغندر قند به بیش از ۱۵ میلیون تن می‌رسد.
با این حال، بحران آب در سال‌های اخیر باعث شده توسعه کشت محصولاتی مانند کلزا، کنجد و زعفران سرعت بیشتری پیدا کند. براساس این گزارش، در اردیبهشت ۱۴۰۳، حدود ۸۰۰ تن کنجد و ۴۲ هزار تن کلزا از مزارع استان برداشت شده است.
محصولات سبزی و صیفی مانند سیب‌زمینی، پیاز و

گوجه‌فرنگی نیز در دشت‌های ارومیه و مهاباد اهمیت زیادی دارند، اما محدودیت منابع آب زیرزمینی موجب تغییر الگوی کشت شده است. بخش کشاورزی حدود ۲۵ درصد اشتغال استان را تشکیل می‌دهد و بیش از ۳۰۰ هزار نفر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این بخش فعالیت دارند.
بخش کشاورزی حدود ۲۵ درصد اشتغال استان را به خود اختصاص داده و بیش از ۳۰۰ هزار نفر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن فعالیت دارند. متوسط مالکیت زمین در استان کوچک و پراکنده است و اغلب بین ۲ تا ۶ هکتار متغیر است که مانع تجمع اراضی و افزایش بهره‌وری می‌شود. با وجود این محدودیت‌ها، مناطق آزاد ماکو و شهرهای پلدشت، پیرانشهر، سردشت و ارومیه به دلیل هم‌جواری با بازارهای صادراتی ترکیه و عراق، ظرفیت بالایی برای توسعه فرآوری محصولات کشاورزی دارند. / ایرنا

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۰۴۸ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۶۰۲۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق آراء شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۴۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ مالکیت آقای یعقوبعلی عزیز و خانم منیره صفری هرکدام نسبت به سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۲۶ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آقابافرامرزی به مساحت ۱۰۹۹۲.۹۹ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث مرحوم غلام صفری به خانم منیره صفری و انتقال سه دانگ از خانم صفری به آقای یعقوب علی عزیز
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

شناسه آگهی: ۲۰۳۲۴۸۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۵۹۸۶
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۴۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ مالکیت آقای سرخوش جنگی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۴۳۸۴.۰۷ مترمربع، انتقال مالکیت ازخانم مهناز حاجی زاده
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۲۴۶۶ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۵۹۸۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۴۳۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ مالکیت خانم زری عزیزه نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ مفروری از پلاک ۴۹ اصلی از بخش ۲۷ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر خاروانا به مساحت ۴۵۲۸.۱۰ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای لطیف حمزه‌ای
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۲۴۷۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۵۹۹۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۵۳۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۹ مالکیت آقای محمدمحسن بیابانی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۵۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای گویچه سلطان به مساحت ۳۴۴۰.۲۸ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای فرخ بیابانی
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۳۷۴ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۵۹۸۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۸۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ مالکیت آقای محمد عباس زاده نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۲۷۹ فرعی از ۳۷ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کاسین به مساحت ۸۲۲۶.۶۴ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای واهب عباس‌زاده
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۲۴۵۳ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۵۹۸۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۴۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ مالکیت آقای حسن صابر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۴۸ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای میرزاعلی کندی به مساحت ۲۳۳.۳۰ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای منصور پورعلی
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۳۷۰ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۴۸۳۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ مالکیت خانم فاطمه سلطانعلی زاده نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۲۷ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای اره جان به مساحت ۲۰۹۷.۹۹ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای آقایی سلطانعلی زاده
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

شناسه آگهی: ۲۰۳۳۰۵۴ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۶۰۲۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۴۴۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ مالکیت آقای غلامعلی تیموری نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروری از پلاک ۸۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کرویق به مساحت ۱۰۰۵.۷۷ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای عزت تیموری
لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضایرانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۲۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۳۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

خبر

میدان دام جدید تبریز در آستانه بهره‌برداری

طرح نو، گروه شهری

میدان دام جدید تبریز با هدف ساماندهی فعالیت های مرتبط با دام در مراحل پایانی اجرا قرار دارد به گفته انصاری این پروژه نقش مهمی در بهبود بهداشت محیط و نظم بخشی به مشاغل شهری خواهد داشت.

یعقوب انصاری معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تبریز در بازدید از روند احداث میدان دام جدید اظهارکرد: با بهره

برداری از این مجموعه شاهد تمرکز فعالیت های دامداری و فرآورده های کشاورزی در یک نقطه سامان یافته خواهیم بود که این امر علاوه بر ارتقای سطح بهداشت محیط ، در کاهش آلودگی های زیست محیطی و رفع مشکلات ترافیکی مناطق مسکونی نقش موثری دارد.

وی افزود یکی از رویکردهای اصلی شهر تبریز در سال های اخیر ساماندهی مشاغل مزاحم و بهبود وضعیت زیست محیطی شهر است میدان دام جدید تبریز یکی از مصادیق عملی این رویکرد بوده و افتتاح آن تحولی قابل توجه در این حوزه ایجاد خواهد کرد.

در ادامه یوسف قوام لاله سرپرست سازمان ساماندهی مشاغل و فرآورده های کشاورزی شهرداری تبریز نیز با اشاره به اهمیت این پروژه گفت: میدان دام جدید با زیرساختهای مناسب از جمله محل های مجزا برای عرضه دام و بخش های بهداشتی و خدماتی و مسیر های دسترسی استاندارد طراحی شده است این مجموعه با هدف ایجاد فضای کاری ایمن و منظم برای فعالان صنف چوبداران و سایر مشاغل وابسته راه اندازی می شود.

وی اضافه کرد با تکمیل و افتتاح این میدان در آینده نزدیک شاهد بهبود وضعیت معیشتی فعالان این بخش ، ارتقای چهره شهری و افزایش رضایتمندی شهروندان خواهیم بود.

طرح نو ؛ گروه شهری

در راستای پیگیری‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی کلان شهرداری تبریز، جمعی از مسئولان ارشد آذربایجان شرقی به همراه شهردار تبریز از روند اجرایی پروژه شهرک جوانان تبریز بازدید کردند.

«موسی خلیل‌اللهی» رئیس کل دادگستری، «ظفر محمدی» معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار و «یعقوب هوشیار» شهردار تبریز، به همراه مدیران دستگاه‌های خدمت‌رسان، از وضعیت اجرای این پروژه بازدید و در جلسه‌ای در محل پروژه، مسائل و مشکلات پیش‌رو بررسی شد.

یعقوب هوشیار، شهردار تبریز، در این جلسه با اشاره به اقدامات انجام‌شده توسط شهرداری، خواستار همراهی بیشتر دستگاه‌های خدمت‌رسان از جمله ادارات برق و گاز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهردار خبر داد:

بهره‌برداری از ۳ تقاطع غیر همسطح در شرق تبریز با تسریع عملیات عمرانی

طرح نو ؛ گروه شهری

شهردار تبریز ضمن تاکید بر تسریع روند اجرای پروژه‌های شاخص عمرانی و پایبندی کامل به

زمان‌بندی‌های مصوب، از پیشرفت ۶۲ درصدی تقاطع غیرهمسطح شهیدحیدری با تخصیص

اعتباری بالغ بر ۱۲۵ میلیارد تومان خبر داد.

یعقوب هوشیار در جریان بازدید از روند اجرای پروژه‌های شاخص عمرانی درخصوص پروژه شهید حیدری اظهار داشت: این پروژه تاکنون ۶۲ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و با اعتباری بالغ بر ۱۲۵ میلیارد تومان در حال اجراست.

به گفته شهردار تبریز، تاسیسات شهری این پروژه تقاطع غیرهمسطح شهیدحیدری توسط

شرکت آب و فاضلاب جایجا شده و پیش‌بینی می‌شود تا یک ماه آینده قسمت فشارشکن این پل به بهره‌برداری برسد.

هوشیار ادامه داد: پس از اتمام عملیات لوله‌گذاری آب، تاسیسات گاز نیز جایجا خواهد شد و به صورت هم‌زمان عملیات خاک‌ریزی امتداد تقاطع غیرهمسطح شهیدحیدری در حال انجام است.

وی در توضیح مصوبات هفته گذشته در خصوص پروژه ورزشگاه سرپوشیده ۱۵ هزار نفری تبریز گفت: بر اساس تصمیمات اتخاذشده، مقرر شد اختلاف کد موجود بین بنای اصلی و جاده جوان توسط مشاور پروژه بررسی و ارائه شود تا

بازدید مسئولان ارشد آذربایجان شرقی از پروژه شهرک جوانان تبریز؛

تأکید بر تسریع در اجرا و رفع موانع زیرساختی

بلوک این پروژه و تحویل آن به ساکنان مناطق پرخطر تبریز

شویم.

وی با بیان اینکه شهرک مسکونی جوانان در ۲ فاز اجرایی می شود، اظهار کرد: اسکلت بندی ۸۰۰ واحد آن در فاز نخست ۸۰ درصد پیشرفت دارد و فاز دوم با ۴۰۰ واحد ۲۰ درصد پیشرفت دارد. تا کنون حدود ۲۲۰ میلیارد تومان در این پروژه هزینه شده است .

موسی خلیل‌اللهی، رئیس کل دادگستری استان، نیز با اشاره به تصمیمات استانی برای ساماندهی حاشیه‌نشینی و ایجاد سکونتگاه‌های رسمی، بر همراهی دستگاه قضایی با نهادهای خدمت‌رسان برای ارائه خدمات به شهروندان تأکید و تسریع در کمک دستگاه‌ها به شهرداری را ضروری دانست.

ظفر محمدی، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار

امام کاظم (ع) :

مؤمن (از جهت ایمان و بلا) چون دو کفه ترازوست،

هر چه ایمانش زیاد شود، بلایش بیفزاید.

دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۱۴۳۹



حال اجراست که تا پایان سال آماده بهره‌برداری خواهد بود.

شهردار تبریز در پایان از روند اجرایی پل سردار خرم نیز بازدید کرد. وی در این رابطه اعلام کرد: برنامه‌ریزی شده است باند جنوبی پل تا پایان آذرماه به بهره‌برداری برسد تا بخشی از بار ترافیکی آن محدوده کاهش یابد.

وی با اشاره به اینکه پروژه پل سردار خرم ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و باند جنوبی آن تا یک ماه آینده به بهره برداری می رسد تصریح کرد: این پروژه در دو باند به صورت شبانه روزی اجرایی می شود که هر باند آن ۲۳ متر عرض دارد و چهار کوله آن اجرایی شده است.

آذربایجان شرقی، نیز در این جلسه با بیان اینکه شهرک جوانان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ساماندهی حاشیه‌نشینی تبریز محسوب می شود، بر لزوم همکاری بیشتر تمام دستگاه‌های ذی‌ربط با شهرداری کلاتشهر تبریز تأکید کرد. شایان ذکر است محوریت این جلسه، تسریع در اجرای پروژه و رفع موانع زیرساختی نظیر برق و گاز بود.

بر اساس هدف‌گذاری انجام‌شده، این شهرک قرار است محل اسکان ۵ هزار خانوار از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین باشد و دستگاه‌های خدمات‌رسان موظفند مطابق طرح‌های مصوب، خدمات لازم را ارائه دهند. بر اساس دستور استاندار، معاونت عمرانی استانداری و دستگاه‌های خدمت‌رسان، همکاری کامل خود را با شهرداری تبریز برای پیشبرد پروژه ادامه خواهند داد.

گزارش

بررسی احداث پیاده‌راه ها در دوره فعلی مدیریت شهری ؛

پیاده‌راه‌ها، شاهرگ‌های ارتباطی در معابر پر ترافیک شهری

طرح نو؛ خاطره میرزایی

تحرك و پویایی انسان، وسیله پیشرفت و ارتقای جایگاه اوست؛ حال این تحرك در هر بعدی که باشد، چه تحرك جسمی و چه تحرك فکری و معنوی، همان عاملی است که وی را به سوی مقصود راهنمایی می کند و او را از یکنواختی، سکون و خمودی می رهاند. پس با این اوصاف، هر کس که بخواهد فردایش از امروزش بهتر باشد، ناگزیر است از حرکت و پوییش!

تحرك و پویایی انسان، وسیله پیشرفت و ارتقای جایگاه اوست؛ حال این تحرك در هر بعدی که باشد، چه تحرك جسمی و چه تحرك فکری و معنوی، همان عاملی است که وی را به سوی مقصود راهنمایی می کند و او را از یکنواختی، سکون و خمودی می رهاند. پس با این اوصاف، هر کس که بخواهد فردایش از امروزش بهتر باشد، ناگزیر است از حرکت و پوییش!

موضوع این بخش از صحبت ما نیز حول محور حرکت است؛ اما نه بدان حد که بخواهیم به بعد معنوی آن ورود کنیم؛ بلکه تنها در ظاهر امر، یعنی جایجایی از نقطه ای به نقطه دیگر برخی مسائل را بررسی خواهیم کرد.

مسیرها برای انسان، پیامی مهم دارند و آن هم تغییر مکان برای انجام امور روزمره است؛ زندگی به ما می گوید که با یک جا نشستن و دست به هیچ کاری نزنند، موفقیتی حاصل و مشکلی رفع نخواهد شد؛ پس باید بپا خاست و قدم به قدم راه را طی کرد و مقصد را در آغوش گرفت. اما ابتدایی ترین تعریف حرکت را در حیات معمولی خودمان تجربه می کنیم؛ انجام امور روزمره، رفتن از خانه تا مدرسه و محل کار و حتی دید وبازدید و مکانهای خرید مایحتاج، از اشکال ابتدایی تحرك محسوب می شوند. انجام کارهای تخصصی و به جای آوردن وظیفه در حرفّ و مشاغل نیز در سطح دیگری از حرکت قرار دارند. پس می توان به حواشی آن نیز فکر کرد؛ مسیریایی برای رفتن و وسایل نقلیه ای برای

توسط کارشناسان امر در نظر گرفته شده اند.

اجرای بیش از ۵ کیلومتر پیاده راه در دوره فعلی مدیریت شهری

شهرداری تبریز هم در مطالعات و برنامه های خود، احداث و ایجاد پیاده راه ها را یکی از طرح های مهم خود می داند. معاون فنی و عمرانی شهردار تبریز در گفتگو با شهربار در این زمینه می گوید: پیاده راه ها در کشورهای مختلف جهان به محلی برای مرادوات اجتماعی شهروندان بدل شده اند. حضور شهروندان بدون وسیله نقلیه و امکانات موجود در پیاده راه ها، باعث رودرو شدن انسانها با یکدیگر می شود و همین نکته ساده ارتباط بین آنها را در انحای مختلف ایجاد می کند.

وی اظهار می کند: اقبال به دیگر فواید پیاده راه ها و تاثیرات مثبت آن، دست اندرکاران را بر آن داشته که با نگاهی دقیق تر و موشکافانه تر به این موضوع بپردازند. به ویژه در مناطق تاریخی و قدیمی شهرها که تردد وسایل نقلیه به ماهیت و ساختار آنها صدمه می زند، بحث ایجاد پیاده راه بسیار معمول شده است.

احمدزاده در خصوص وضعیت تبریز در این حوزه نیز اضافه می کند: تبریز از چندسال قبل به جرگه شهرهای دارای پیاده راه پیوسته و طرح های متعددی را در این زمینه اجرا کرده است. دوره ششم مدیریت شهری هم این طرح را با نگاهی متفاوت بررسی کرده و در نقاطی از شهر که بستر اجرا فراهم بوده، پروژه هایی را اجرا کرده یا در حال اجرا دارد.

وی با اشاره به این پروژه ها تصریح می کند: شهرداری منطقه ۳ در این دوره، ۴ پیاده راه را در دستور کارخود داشت که از این تعداد، پیاده راه های سلامت در پارک منظریه به طول ۱ کیلومترو پیاده راه میدان تیر به طول ۲ کیلومتر به بهره برداری رسیده اند و پیاده راه سلامت



زند. فکری دیگر باید و چاره ای دیگر!

طی سالهای اخیر برای مدیریت شهرهای بزرگ جهان، موضوع مهمی مطرح شد که محوریتش همین مباحث ترافیکی و راه های برون رفت از مشکلات ناشی از آن بود. اصلی ترین چاره ای هم که اندیشیده شد، اولویت دادن به عابرین پیاده و ایجاد پیاده راه ها در نقاطی از شهر بود. پیاده راه ها بنا به تعریف متخصصان، مسیریایی انسان محور هستند که وسایل نقلیه در آنها اجازه تردد ندارند. ایمنی و دور بودن از حوادث اصلی ترین هدف این پروژه هاست؛ سلامت ناشی از تحرك بدنی در این مسیرها یکی دیگر از اهداف مورد نظر تلقی می شود؛ دیگر عوامل مانند کاهش ترافیک در بافت مرکزی شهر، حفظ بناهای قدیمی و تاریخی در این محدوده ها، کاهش انواع آلودگی ها، حفظ جاذبه های گردشگری موجود و ایجاد جاذبه های جدید، و اولویت بخشی به انسان در قبال وسایل نقلیه موتوری، مقاصدی هستند که